

مخوت اعتراض ده مرکز بحركات و خشيانه روسان
 بيشتر از اعتراض يك يا دو مركز است - مثلا
 اگر در وقوع تجاوزات روس از همه شهرهای
 ايران صدای اعتراض و پروتست بلند ميشد و در
 همه آنها متبنيغ منمقد ميگردید البته تاثير زياد
 ميبخشید و اگر اعلان نحریم امتعه روس در همه
 ولايات بدون استثناء در يكروز انتشار می یافت
 قائده بسیار بزرگ داشت، این نکته هم ميسر ميشود
 عكر درساية اورقايزاسيون و پروماناند - انجمنهای
 سياسی و ملی بايستی تاکنون در همه شهرهای ايران
 مركز و شنبه داشته و تمام وقایع را مادستورالعملها
 بهمه جا تلگراف ميکردند و در حين لزوم بيك
 اشاره در همه شهرها در يك وقت متبنيغ منمقد و
 پروتست زده ميشد و همه افراد ملت در همه جا
 از وقایع آگاه شد، و بوظيفة خود عمل کرده در
 پروتست و اعتراض هم آواز و همفكر و متفق الكمه
 ميشدند و آنوقت افكار عمومی ملت در يك لباس
 حلوه گرگشته و بخوبی نتیجه و تاثير خود را ميبخشید -
 چنانچه در انقلاب تبریز چون تنها آذربايجان
 صدای خود را بلند کرده و بکمال جفاقتی آزادی
 و مشروطه را مدافعه مينمود اوروپايشان می گفتند
 که از دوازده ایالت تنها یکی مشروطه می خواهد و
 افكار عمومی ملت ايران برضد مشرومیت است -
 ولی وظیفه افراد ملت امروزه این است که
 از هر نقطه ايران فریادی بلند شد و یا تجاوز و
 وحشیگری روس ها و انگلیس ها و غیره شنیده شد
 فوراً صدا بصدای يكديگر داده و ایالت يكدلی و
 يكجبهی نمایند - وقتیکه استبداد محمد علی میرزا
 ادرمیدان توبخانه و قسمة آذربايجان خود دعائی ميکرد همه
 افراد ملت از هر گوشه وطن هم آواز و وطنساز
 شد و خود را فدائی نامید تا آمدن طهران و
 همان دادن در راه آزادی و مشروطی را اعلان
 يکردند و در هر حرکت محام قانون محمد علی میرزا
 هيجان و جنبش بزرگی در تمام ایالات برپا شده و
 خون ملیت و وطن خواهی بخوش آمده همه در
 و حامیدن وطن از دست استبداد يك زبان و يكجبهت
 قيام می نمودند ما امروزه دشمنان دن و وطن
 بدون هيچ بهانه ای تجاوز بخاك مقدس وطن مان
 گذاشته و هرروز با هزاران فتنه انگیزی و
 وحشیگری سينه وطن و اسلام را زخم دار ميکنند
 ابدأ حسی از ما ظاهر بپست نه از ایالات خبری و
 نه در افراد ملت جنبشی دیده ميشود !

آورده عزم متين خودتان را در دفع دشمن داخلی
 و نگهداری مشروطه و آزادی اعلام ميفرمودید
 امروز چه شده است که دين اسلام رخته دار ميشود
 و وطن شش هزار ساله ما ايران از دست ميرود
 و خاک پاک آن لک دکوب دشمنان دين و وطن ميگردد
 و از شما ما صدائی و فریادی نیست - آیا چگونه
 بر غیرت اسلامی و حمیت دينی و ملی تان هموار
 ميسازید که اسلام بدین سوال ژبون و خار گردد
 و ايران تا ايندرجه ذلیل و اسير شود -
 ای وکلای ملی و زمام داران ترقیبات ايران !
 آیا خبر دارید که وطن تان در چه حال است ؟
 آیا ميدانید که دشمنان درونی و بیرونی از عدم
 اتحاد و اتق شاهها چه نمره ها می چينند و چه دامها
 بر سر راه شما ميگسترانند - بخداي يکتا سوگند
 که اگر اغراض و منافع شخصی را در پيش مقاصد
 و منافع وطنی فدا کرده و به تخلص وطن متدس
 نکوشید در نزد خدا و رسول و وجدان خود
 مسئول و در نظر افکار عمومی ملت منفور خواهيد
 شد - اگر در بعض نکات تقلید بر ملل ديگر
 مینمائید چرا در سایر خصایص تقلید نمی فرمائید -
 کدام ملتی است که با اختلاف مسلک و وجود
 پارتیهای زیاد سياسی در پيش تجاوز دشمن همه يك
 زبان و يك دل و يك جبهه نباشید کدام ملتی است
 که وکلایش وطن خود را با مال تمدنیات و تجاوزات
 دشمن به بند و در پی خود برستی و عرض پروری
 رفته و وظیفه مقدسه خود را فراموش نماید
 ساعتی تاريخ عبرت های احتلال فرانسه را مطالعه
 فرمائید و به بنید که آهسته آهسته و انجمن ها و
 پارتیهای کواکوت با افکار متحالف و مسالك
 متاوت که داشتند چگونه در هنگام هجوم و تجاوز
 دشمن بوطن شان همه آن افکار را فراموش کرده
 و اختلاف مسلک را بکنار گذاشته و پيش از همه
 بدفع دشمن ميکوشیدند خطیب ها و ناطق ها در
 پارلمان با نطقهای آتشین رنگ غیرت مرده را
 بحرکت آورده و قوت و جسارت بزرگی در دل
 مردم توایند ميکردند. اما مجلس ملی ايران امروزه
 حکم خوش آباد را گرفته و هيچ اثری از جاره
 جوئی و رهنمائی برای نگهداری وطن از ايشان
 دیده نمی شود، ای وکلای ملی ! امروز زمام امور
 و استقبال ملت ايران بدست شما سپرده شده است
 و این وظیفه و مسؤولیت تان بسیار بزرگ و دشوار
 است، افکار و نیات دول هم جوار پيش شما نياید
 پنهان بوده باشد و ممکن نیست که از حال امروزی
 نتیجه فردا را دورك فرمائید تا فرصت در دست
 هست در رهائیدن وطن مقدس جانشانی فرمائید

وام خود را تا ابد زنده بسازید و الا روزی می آید که پشیمان می شوید و آنوقت هم پشیمانی سودی نمیدهد ای ایرانیان و مسلمانان یاک فطرت! دین مقدس تان اسلام در اضمحلال و استقلال وطن تان ایران در خطر است، ایران گرفتار بجه غدر و ستم کثارت از شما باری می طلبد و استمداد می نماید بکشید که دین مبین اسلام را از وره اضمحلال و وطن مقدس تانرا از گرداب خرابی برهاند اینک هستان پیش انظار شما مانند یک مجسمه عبرت ایستاده و بصدای رسای خود شما را خطاب کرده میگوید

فرست کم است ملت ایران بدین روش

فردا است همچو من همه پامال گشته اید

لا بجه یکی از علمای جلیل

از آنچه سابق نوشتیم ظاهر ~~کردید~~ که باید فکر تطابق قوانین را با قواعد اسلام از اهم فرائض خود شمرد که علاوه بر اینکه تکلیف مسلمانی و حق اسلامیت همین است قواعد سیاسی نیز غیر از این حکمی ندارد، چه اهم فرائض سیاست جلب قلوب رعیت و نجاشی از تولید موجبات نفرت ملت است و سربع ترین جاب نفرت مزاحمت با قواعد مذهبی یک ملت است، ما در این مقام ناچاریم بجهت کشف حجاب توهم و از آله سوء تقاضا پس از تمهید یک مقدمه نبذی از مراحل انزاع اسلام را شرح دهیم و نفوس عامه و مصادر فتنه را متوجه اصلاحات لازمه بنائیم این است که مقدمه عرض میکنیم عدل و عدالت در اصطلاح فقها عبارت از ملکه ربانیه است که مانع از ارتکاب معاصی کبیره و اصرار بر صغیره گردد و در عرف عام در خصوص احقاق حق مظلوم مستعمل است و در اصطلاح حکما که مقصود بذکر در این مقام است عبارت از تساوی اجزاء ترکیبیه و تناسب اعضاء تالیفیه هر مرکب است خواه مرکب حقیقی خواه اعتباری و عدل باین معنی است که اگر از عناصر اربعه کناره گیرد تولید مواید تلذذ صورت نگیرد و اگر از الحان موسیقی دور گردد منور گردد و اگر از ملک بکنار افتد بخراب گراید و اگر از دولت انفصال جوید زوال یابد و اگر از مات دوری کند روی سعادت بیند و اگر از آسمان انفکک جوید انفطار یابد و اگر از ارض جدا شود هبا شود. حدیث شریف بانهدل قامت السموات والارض ناظر بهمین معنی است رئیس الحکا خواجه طوسی میفرماید لفظ عدالت از روسیه دلالت مینی از مساوات و نقل مساوات بدون اعتبار وحدت مجتمع و چنانکه وحدت بمرتبه انصافی و درجه اعلی از مراتب

و مدارج شرف و کمال مخصوص و ممتاز است هر یک آثار او از مبدای اول که واحد حقیقی او است در جلگی مبدودات مانند فیضان انوار وجود است از علت اولی که موجود مطلق او است در جلگی موجودات، عادل کسی بود که مناسبت و مساوات میدهد چیزهای نامناسب و نامساوی را

مثلا اگر خطی مستقیم را بدو قسمت مختلف کنند

و خواهند که باحد مساوات برند هر آینه مقداری از زاید نقصان باید کرد و برنقص زیاد کرد تا تساوی حاصل آید و قلت و کثرت و نقصان و زیادت منتفی گردد و این کسی را میسر شود که بر طبیعت وسط واقف باشد تا در اطراف کند از او، و همچنین در خفت و نقل و ریج و خسران و دیگر انحرافات پس اگر در خفت و نقل چیزی بر خفیف نهد و از ثقیل بردارد تکافی حاصل آید و اگر متکافی باشند چون از یک طرف نقصان کند خفیف شود و چون در دیگر طرف زیاده کند ثقیل گردد و در ریج و خسران اگر کمتر از حق گیرد در خسران افتد و اگر زیاده گیرد در ریج و همین کتنده اوساط در هر چیزی تا بمعرفت آن رود چیزها باعتدال صورت بندد ناموس الهی باشد، پس بحقیقت واضح تساوی و عدالت ناموس الهی است چه منبع وحدت او است آلی ذکره و چون مرم مدنی بالطبع است و معیشت او جز بتعاون ممکن نه و تعاون موقوف بود بعضی خدمت بعضی کتند و از برخی بستانند و برخی دهند تا مکافات و مساوات و مناسبت مرتفع نشود چه بچار چون عمل خود بصباغ دهد و صباغ عمل خود باو تکافی حاصل آید و تواند بود که عمل بچار از عمل صباغ بیشتر بود یا بهتر و برعکس، پس بضرورت بمنوسطی و مقومی احتیاج افتاد و آن دینار است پس دینار عادل و متوسط است میان خلق لیکن عادل صامت است و احتیاج بادل ناطق باقی تا اگر استقامت متماوضان بدینار که عادل صامت است حاصل نیاید از عادل ناطق استقامت طلبند و او اعانت دینار کند تا نظام و استقامت بالاعمال موجود شود و ناطق انسان است پس از این روی بجاکی حاجت افتاد و از این مباحثه معلوم شد که حفظ عدالت در میان خلق بی این سه چیز صورت نه بندد یعنی ناموس الهی و حکم انسانی و دینار و ارسطاطالین گفته است که دینار ناموسی عادل است و معنی ناموس در لغت او تدبیر و سیاست بود و آنچه بدان ماند و از این جهت شریعت را ناموس الهی خوانند تا این جا سخن خواجه طوسی است

پس از این مقدمه قارئین محترم بخوبی خواهند

دانست که اشد مراحل اغتراب اسلام که منتهی بذات امروزی اسلام است شد هاما تقطیع نوامیس نلثه با تفکیک قوای اسلام از یکدیگر بود ، حاکم انسانی دینار را که میعاد موازنه حقوق و تعدیل سر-ام بود خاص خود گرفت و ناموس الهی را پشت سر انداخت ، فلسفه نافع اسلام که مقوم ترقی ملکی بود بامر منسوخ شد که نام و نشانی از او نماند ، اعضا و جوارح دیگر اسلام را نیز بطوری تقطیع کردید که منعت مقصوده از هیچک کما و حقه دستیاب نشد ، ماشطه تدلیس تا از جهالت ملت بیشتر بهره یابد برك و سازی که هیچ درخور هیكل مقدس اسلام نبود بکار برد و هیكل نورانی اسلام را در زیر آن ابرهای تیره بچشم بندی و شعبده بازی در سار عمیای عوام نهایشی داد معاینه دین محمدی (ص) مصداق شعر ندای شد

(دین تو را در پی آرایش اند)

(در پی آرایش و پیرایش اند)

(بسکه براو بسته شده برك و ساز)

(سکر نو به بینی نشناسین باز)

باز تا اوایل صفویه مراحل روحانی و اخلاقی و عدلی و عملی و عبادی و سیاسی اسلام بمزید شکوه و نمودی مخصوص و اسلام و مملکت اسلامی بهمة شئون تا بکدرجه محنوط بود و انعار داخل و خارجه باسلام و مسلمانان و مملکت اسلامی ایران نظر اعتنا و اعتبار بود در اواخر صفویه که از حدود اسلامی تجاوز کردند ایرانش ویران و دستخوش جمعی افغان شد باز روح اسلام مددی کرد و نادری را برانگیخت که الحق شجاعت ایرانی و شهامت اسلامی را حیات جدیدی بخشید ، کوکب ملکی اسلام در آن دوره خوش درخشید ولی دوات مستعجل بود ، دیری برنگذشت که سلطنت ایرانش بقا حاربه منتقل شد و از همان ساعت کوکب اسلامیت بسمت افول و انحطاط گرایید تا چندی اگرچه شروع به کاستن ممالک اسلامی نشده بود ولی شیوع ظلم روح اسلام را معذب میداشت ، چندی برنگذشت که تیتری بس معجب بیان آمد که سر تا سر ایرانش محو چشم بندی خود داشت ، چه همکان برای العین میدیدند که مانر پادشاهان وقت بباد دادن ایران و ملاعبه با نسوان است با اینهمه درباره پادشاه بگزاره گوئی معمولی اکتفا نمیشد بلکه ماشطه ملق و ساحره قلم در کینیت نزول سلطان حسن ازعام ملکوت درذات ملکوتی صفات پادشاه رنگها میریخت و شاه نامها میخواند ، قوای حاسه ملت جاهله در تحت گزاره باقی چند تن خائن بطوری عاجل و باطل شد که نوگفتی ملت جاهل ایرانش داره می

بیهوشی داده اند این ترتیب و تربیت ماولی کشید و در نفوس هر طبقه از طبقات ملت اثری بخشید طبقه سافله در تحت تربیت هیمنت ساطت از احساس ظم خامد و فشار جور منعود شدند و ماده کاطیبه الثانیه طبقه وسطی برخی بکاسه لیبی و بعضی بچاپلوسی نیم رمی که صرف دعا گوئی ذات اقدس نماند در کابله بدن بهاربت داشتند اگرچه این طبقه را در ازاء و نذینه دعا گوئی و جیبه نبود ولی اگر اجرة اللیل عمل را از فشار طبقه سافله استیفا مینمودند بکرم همیم قبول میشد .

طبقه عالیه اما انشاء دربار و حکام دیار را در عمل شرکتی مستقصی و در فائده سهمی اوفی بود ، و اما روحانین ضعیف الایمان و قوی النفوذ آمانت را حق السکون محقر و شرکتی مختصر بود ولی همان شرکت مختصر را در تضیف اسلام اثری بسیار قوی بود اما اقویا الایمان و حمة القرآن در عالم یاس و حرمان و کنج عزالت و غربت میزیستند ، نتیجه این شد که بین دین و ملک تفرقه افتاد ، اراده سانیه قائم مقام نوامیس الهیه و دینار خالصه سلطانیه شد قوای عسکریه بطوری معدوم الاثر گردید که هر وقت صدای کننده شکنی در کوچها بلند میشد مردم میفهمیدند که صاحب این صوت در اصل سرباز دولتی بوده است طبعا معلوم است که با این حال نفوذ اجانب در مملکت اسلامی تا چه پایه و اطاعت سلطان از اقتراحات آنان تا چه پایه خواهد بود

ولی پادشاه وقت تمکین اجاب و تمسکن در مرکز اکتفا میکرد با وافی بحفظ خود نمی دید و ستر کردش و سر سپردن را از فرائض حتمیه میشمرد عجب تر از همه این بود که با اینکه وجوهات عائده از رعیت فروشی محکام و امتیاز بخشی بخارجه اضائنه ایسات دوات و صفة واحده بکسبه معدودی انگشت شمار داخل میشد مع ذلک پادشاه محتاج و ملک دهین قرض هنگفت بود که الباقی آن تا بحال بیادگار باقی است

تراکم این تطورات جان شکار بالاخره ملت را بستوه آورد و ماده مستعد و قرحه باطنیه هیئت جاهله را منجر کرد

دانایان ملت موقع را مغتم شمرده در مقام جمع شمل نوامیس تالانه برآمدند و زیاده از سه سال در رفع موانع کوشیدند ، هزاران جاهای گرانها در سر این کار شد ، هنوز فریاد زنهای بیوه و ایتمام پدر کشته و غارت زدگان ستم رسیده با آسمان میرسد ، پس از مجاهده فوق الطاقه و رفع موانع فوق العاده و قلع ماده استبداد که موقع آن شد که حاکم الهی

متشخص مانند رحیم خان و امثال او و دله دزدها مثل لشتی و بلوچ آسوده بود و خواب راحت نکرد، و هرچه از آقایان مجاهدین زیاد آمده بود بدست چپاول آنها داده شد.

اما سیاست ملکی هر موقع مفتی که از برای نجات ملک و ملت بدستباری علماء اعلام بدست آمد وکلا و وزرا از دست دادند و حرارت ملت را بتزیدت موجب ات نفرت سرد کردند. آقایان طلاب بحضت تشویق ملت در عین گرسنگی و فلاکت کتاب و کاجدان فروختند و ملت را کرم قرض دادن کردند، از آن طرف وکلا خود را بصحبت امتیاز چرم و صابون مشغول کردند و دولت بتزیدت شعبات و تکثیر ادارات و خرج ترائی عجا و ابداع مالیاتهای نفرت زا سرگرم شد و ملت را یکسر سرد کرد و موقع را از دست داد، بعضی که خواستند این یگانه وسیله فدیله تا ابد عقیق بماند خود را صندوق امانت ملت نام نهادند و بجای اینکه در اعانت بدوات پیش قدم باشند علاوه بر مواجب مستمری که از مال ملت مظلوم میبردند فقط بعنوان حق العمل قبض و تحویل حزقی اعانه مجتمعه از خونابه دل ملت خون جگر شطر ممتد بی با نهایت بی شرمی برای خود معین کردند، و هم امانت خود را بیرهان فعلی حالی نمودند و هم اموزج خرج بقیه وجه را بدست دادند تا ملت دیگر یاد قرض دادن بدولت نکنند و این سبب منحصر نجات مملکت نیز از دست برود

(چنین کنند بزرگان چه کرد باید کار)

امانظیات اداری همانا آقایانی که از فرط درست کاری و حسن تربیت فرنگستانی برای گرفتن وجهی مجهول الوجه در وطن و لمن ملازمان مرتعی کتابها می نگاهشند و غافلانه در آفاق عالم می انداختند و از برای ملت ستم دیده سنگها بسینه میزدند، نمیدانم چه طور شد که برنگهای مختلف و صیغ متعدد و شعب مشتت ریشه ملت بیچاره را بگا و مایه رساندند و رعیت بیچاره را اصفرا لکف گذاشتند، ای کاش در ازاء وجوهات مختلفه الاوائ داد خواهی از آنها کرده و احقاق حق نموده بودند، این رشته بجدی بالغ است که انسان را بشبه می اندازد که این تعمیر اسلوب نه برای خیر ملت بود بلکه چون در زمان استبداد بول ملت بکسسه میدودی ستم پیشه میرفت و آقایان بی کار از دور تماشا می کردند و آه حسرت میکشیدند بالاخره فقط برای شکستن طلسم بی پولی بر سر آن شدند که گر زدست برآید دست بگاری زنند که غصه سر آید و گرنه اگر واقعا اقامه عدل و نصفت و احقاق حقوق ملت و حفظ مال و جان

ناموس آلی را در میان نهد و احکام او را بموقع اجرا گذارد و دینار را معیار موازنه حقوق مقرر دارد، بر حسب مقتضیات وقت موضوعات اجالیه را که بیابست احکام آلیه در معضلات آت مجری شود ثبت و تبویب کردید و نام او را قانون اساسی نهادید و برای مزید تاکید در صدر عنوان کتاب مزبور نوشتند، که این کتاب حاوی مذهب جعفری و مواد قانونیه آن ابدالامر موافق قواعد مذهب خواهد بود.

باز بجهت مزید استحکام در صدر همان کتاب مقرر داشتند که همیشه اوقات بجنفر از متخیرین علمای اعلام و مجتهدین عظام ناظر در موافقت قوانین ملکی با قواعد مذهب خواهند بود. پس از آن برای تقنین قوانین ملکی و شور در اصلاحات امور ملی و دواتی در پای تخت ملک مجاسی مرکب از متخیرین قانونی تمامی مملکت تشکیل دادند، و وکلا و مجلس قرآن مجید را بین خود و خدا حکم قرار داده قسم یاد کردند که از مواد قانون اساسی تخلفی نورزید و در هیچ باب با دین و دولت خیانت نکنند، الحقی والاصاف این وضع و ترتیب در غیبت اعلام زمان منتهی درجه افکار تمامی عقلاء عالم و سبب وحید اصلاحات ملکی و علت فرید ترقیبات مملکتی و صیانت حقوق ملی و دواتی و اعلاء کلمه دینی و مذهبی شناخته میشود، و هیچ تردید نتوان کرد که اگر صحیحاً بموقع اجرا گذاشته شود ضمانت اداء خوبهای جوانان رشید و تسلی قلوب بازماندگان شهداء سعید و حفظ بیضه اسلام از دست برد اجانب تواند کرد، حالا باید دید که این ترتیب تصوری را نتیجه عملی چه شد و این مفهوم بالغ الحسن را بمصداق خارجی چه بود، و وزرا و وکلا و ملت و دوات چه کردند و چه نتیجه گرفتند؛ قلم اینجا رسید و سر بشکست

اما درباره حفظ بیضه اسلام که غرض اصلی از همه جان بازی و جان فشایی بود نتیجه حاصله این شد که از بدو مشروطیت ایران قشون روس و انگلیس علاوه بر تجاوزات همیشگی ایران را محل اوتراق قشون خود قرار داد، تجاوزاتی که هرگز معمول نبود از قبیل ریختن بخانه علماء و تعرض برهای مسلمانان و حبس و زجر و قتل و اسیر مسلمین دقیقه فروگذار نکردند و هرچه ملت بد بخت ایران فریاد زد که اجنبی در خانه ما چه میکند و زنها سیه ما چه کار دارد و از ناموس ما چه میخواهد کمی بفریاد این ملت بیچاره نرسید و اقدام رسمی از دولتیان دیده نشد، و اما امنیت داخلی در این مدت ملت ایران یکساعت از دستبرد دزدهای

و ناموس رعیت اندکی منظور میبود ملت بیچاره از هر جا سر درمی آورد جلو بر او نمی گرفتند و بهره از حریت باو می دادند.

هیچم از یاد نمیروود و تا عمر دارم آن منظره وحشت زای جگرشکاف را از خاطر نتوانم سترده بکنفر سید اولاد بیغمبر که از پای عاجز بود و بجای یکجاچوبی در زیر بغل داشت در انجمن ولایتی باحضور حکومت و اعضاء ادارات شکایت آورد که من ما این حال عجز و ناتوانی از حقوق سیادت خود صرف نظر کرده تن بسوال نداده روز را توبره از علف بیابان جمع کرده به پشت کشیده بشهر می آورم که به شاه فرورخته قوت لایموت قرار دهم و پلیس نظمی ازین حقوق قبایه مطالبه میکند، واقعا قصه این سید عاجز و بدل اوشیروانی را در نظر من مجسم کرد و معنی حریت را با اشاره حسیه ارائه داد، که با اسکه از این واقعه مدتی است گذشته بهیچوجه خود را از آن تصور وحشت زای نمیتوانم منصرف کرد و از این مقوله بسیار است که قلم را یارای نگاشتن نیست

اما حفظ حدود شرعی و نوامیس الهیه در این باب بطوری مسامحه شده که توگفتی مسلمانان زمان ما از مسلمانان سنگ میدارند و حتی الامکان سعی اند که این لباس را از خود خلع کنند تا مگر در عداد امم متمدنه شمرده شوند، محاطه مستطیبه آنان عملاً و نمود کرده آهمه تا کید آکیده که در صدر عنوان قانون اساسی در حفاظت قوانین اسلامی شده فقط محض صورت سازی و اغفال مسلمین بوده و بینه کتاب حقوق بین المللی را ماند که روسی یا سودانی بنویسد، مصادر امور این عنوان را از موضوع تکالیف خود العا کردند و خارج شمردند و حریتی که در هیچ باب دستیاب نشده بود در این باب باقصی مدارج بعموم ملت داده شد، هر کس هر چه خواست بر خلاف گفت و هر چه توانست کرد و هیچکس جلوگیری نشد، عجیبتر از همه اینکه در مجلس شورای ملی اسلامی بحمایه بکنفر روز نامه نویس که در قبال قرآنی بمبارزه علنی ایستاد، حرارتها ابراز شد و حمایتها بروز کرد که اگر جلو گیری علماء اعلام نبود و همان نفس پیش میرفتند دیری نمیگذشت که فاتحه دین اسلام خوانده شده بود

ای مسلمانان! اگر چه میدام در گفتن اثری نیست و این قضیه غلط است که در گفتن اثری است که در نگفتن نیست و اگر هست در قول باطل است، من هم اگر بر آتش صبر میداشتم دم فرو می بستم و قلم را می شکستم و بکنجی می نشستم، ولی چه کنم که خدای میفرماید (ان الذین یکتومون ما انزل الله من الکتاب و

یشترون به نعمنا قلیلا - اولئك ما یاکون فی بطونهم الا انار ولا یكلمهم الله یوم القیمة ولا ینزلهن من عذاب الیم - اولئك الذین اشترو الضلالة بالهدی والذباب بالمغزاة فاصبرم علی انار) این است که باواز بلند میگویم ای مسلمانان بر غیرت اسلام رحم کنید. ای مسلمانان اگر بر اسلام رحم ندارید بر خود ترحم کنید و بترسید از روزی که دستگیر قدرت اسلام یا گرفتار کینر اسلام گردید! ای مسلمانان اولین قدم ترقی خود را بسوی آخرین ورطه هلاکت خویش بر مدارید! ای مسلمانان اگر وصیت بیغمبر نخود را در حفظ اسلام مجرای نمیدارید خود را بوصایت یطرکبیر در اعدام اسلام مام بردار می کنید، ای مسلمانان چیست شما را که بعد از هزار و سیصد سال مسلمان امروز میبایدتان گشت! قولوا لا اله الا الله تفلحوا. ای مسلمانان کعبه آمال خود را تنگه مرگبان قرار ندهید! ای مسلمانان بتهای پارسی را از صای کعبه آمال خویش فرود آرید و درهم شکنید و اگر کعبه آمال شما آوده بست کعبه دشمنی ملت را از لوث این تصورات پاک کنید، ای مسلمانان اگر نصایح انبیا و رسل شما را کافی نیست گفته اردشیر بابکان را بکار بندید که از هزاران سال پیش گفته است (الملک والذین توامان) ای مسلمانان اگر چه بجزر و رمل است طامور متدین پیدا کنید و کلر را بدانای دین بسپارید، ای مسلمانان اولین واسطه ترقی شما اسلام بود آخرین وسیله نیز اسلام است، راه نجات و ترقی خود را گم نکنید! ای مسلمانان جنم هم مشروطیت یادگر صانع اسلام است، آنچه خود دارید از بیگانه تنها نکنید! ای مسلمانان مخالف کشتن را محانت جهت است موالف کشتن را جهة چیست، ای مسلمانان مسلمانان کافر کیش شما در قبال اسلام ایران مشهد مقدس پس از استماع اذان علناً میگوید « ما توپ طهر را قرار دادیم که دیگر این صدا ها را نشنویم » و یکشنر مسلمان پیدا میشود که دهن او را بشکند بلکه شاید با او هم تراه شوند

(کابن ورد و دعای صبحگاهی چیست)

(تا مانده بیابواست و موزبکان)

ای مسلمانان اینگونه میکروبرای جاعونی را معدوم کنید پیش از آنکه شما را معدوم کنند! ای مسلمانان مواد مولده این میکروبرها را قلع باید کرد تا موجب هلاکت فرام نیاید! ای مسلمانان از سخن خوجه طوسی برای شما برهانی شد که قائم بقسط جز ناموس الهی نتواند بود. از صراط مستقیم انحراف مجوید! ای مسلمانان اگر طالب عزتند ان العزة لله و لرسوله و لامؤمنه، ای مسلمانان

دشمنان شما منتہض فرصت اند کہ بر بی مبالائی شما یک برده افزوده شود کہ بدون زحمت شما را سید کنند. هذا بلاغ للناس و لينذروا به وللمہم يتذكرون

حادم الاسلام محمد ہادی قایمی برجندی

دستخط حضرت مستطاب آية الله مازندرانی

(بہ جناب حاج محمد علی تاجر بادامچی تبریزی)

رقیمہ شریفہ مورخہ ۲۹ ج ۲ کہ منجہ آخر آن جناب مستطاب سید العلماء العمام آقوی آقا میر محمود سلمہ اللہ تعالیٰ ہم شرحی نوشتہ بودید رسید ہن طوری کہ جناب عالی برای بیان مطالب خودتان مقدماتی نوشتہ بودید حقیرم لازم دانستم کہ مقدمہ سویشم - اول اسکہ دو قلعہ شہرہ خبیثہ استبداد و استوار داشتہ اساس قوم شہروایت یکدستہ مواد فاسدہ مملکت ہم ماعراض دیگر داخل و ما ما مساعد بودید ماہا بغرض حفظ بیضہ اسلام و صیانت مذهب سید ابواب تعدی و فساد مایشاء و حاکم مایرید بودن ظالمین در نفوس و اعراض و اموال مسلمین و احراء احکام مذہبیہ و حفظ نوامیس دینیہ و آنها باعراض فاسدہ دیگر و انحراف بعض مقہرین خالی اغرض از مشروطیت ہم بواسطہ دخول ہمین مواد فساد در مشروطہ خواہان و از روی عدم تمیز این دو امر از ہم دیگر بوادئ مختانت افتادند. علی کل حال مادامیکہ ادارہ استبدادیہ سابقہ صرف بود این اختلاف مقصد بروزی نداشت پس از اہدام آن ادارہ ملعونہ تباین مقصد علنی شد ماہا ایستادیم کہ اساس را صحیح و شانودہ را بر قوایم مذہبی کہ ابدالہر خلل مایذیر است استوار داریم. آنها ہم در مقام تحصیل مرادات خودشان تمام قوی برآمدند ہرچہ التماس کردیم و حالی کردیم کہ انہم یکی لکم دین و کنتم لا تخافون الامداد برای حفظ دیبای خودتان ہم اگر واقاً مشروطہ خواہ و وطن خواہید مشروطیت ایران جز بر اساس قوم مذہبی ممکن نیست استوار و بایدار بماند مخرج نفقت و خود قشون ہمسایہ را ہم در مملکت اسباب کار خود داد. اسباب بقا را فراہم و بیکال سرعت و فعالیت در مقام اجراء مقاصد خود برآمدند

دوم اسکہ چون مانع از پیشرفت مقاصد شان را و الحقیقہ با دو نفر یعنی حضرت حاجت الاسلام آقایی آية الله خراسان دام ظلہ و حقیر منحصر دانستند و از انجمن سری طہران بعض مطالب طبع و نشر شد و جلوگیری کردیم لهذا انجمن سری مذکور کہ مرکز و ہمہ بلاد شعبہ دارد و ہانیہ لعنہم اللہ تعالیٰ ہم محققا در آن انجمن عضویت دارند و ہکذا ارائمہ و یکدستہ دیگر مسلمان صورتان

تقلید کردہ اند ہم داخل هستند، از انجمن سری مذکور بشعبہ **ک** در نجف اشرف و غیرہ دارند رای در آمدہ کہ نفوذ ما دو نفر تاحالا کہ استبداد در مقابل بود نافع و از این بعد مضرات باید در سلب این نفوذ بکوشند، مجالس سریہ خبر داریم در نجف اشرف منقذ گردید اشخاص عوامی کہ بصورت طلبہ محسوب میشوند در این شعبہ داخل و ہمہ اغراض در نجف اشرف اقامت دارد، اینگورہ اشخاص طریق سلب نفوذ را بشر اکادیب دانستہ چہ کاند برانہا باطراف کردند و در جراند درج کردند و ظاہراً این شعبہ در ہمہ ما مشغول است، تمام آنچه را اشارہ **ک** کردہ بودید مثل قضیہ میرزا ابوالقاسم طہرانی و غیرہ و مکاتبہ قونسل و مسئلہ شیروانی و غیر ذلک ہمہ از فروع این اصل و بشر این اکادیب بدستور العمل مرکز و برای این مقصد است . امثال جناب عالی ہم کہ بخبر و عیداید زر کاسہ چہ نیم کاسہ است تلقی قبول میفرمائید یکی ہم نیست کہ پرسد کہ چہ و بہ اعتماد بہ این نو کشیدہ ما از اعتماد بر خود ماہا بیشتر شدہ حالا کہ مطالب بالا گرفت مکاتبی بغیر اسباب عادیہ بدست آمدہ کہ بر جانبان ہم خائف و چہ ابتلاہا داریم از یکطرف شکایات بلاد از صدمات و تعدیات و اشاعہ منکرات و خرابی ادارات شب و روزی بر ایمان نگذارند از طرف دیگر متصل باصلاح خرابی مرکز مشغول و یک ثلمہ را اگر سد کنیم ہزار خرابی از جا ہای دیگر بید و واقماً خستہ و درماندہ شدہ بر جان خودمان ہم خائفیم ،

بعد از بیانت این مقدمہ عرض میشود حکمی **ک** در باب تقی زادہ از ماہا دو نفر صادر شدہ متفقاً حکم کردیم اولاً تکفیر نبودہ ہر کس نسبت تکفیر دادہ **ک** کذب محض است بلکہ حکم بفساد مسلک سیاسی و منافات مسلکش با اسلامیت مملکت بود، این ہم نہ مطلق بود کہ بگفتن یا نوشتن یکی دو نفر باشد بلکہ اشخاصی کہ مطالب را با ما نوشتند از اعضاء صحیحہ مجلس و غیر ہم کسانی هستند کہ ملت خواہی و عالم بودن آنها بمقتضای عصر و بی عرض و مسلمانان آنها قطعی در نزد شما و ما و عموم ملت مسلم است سابقاً ہم مثل شما باو معتقد بودند و حالا عدول کردہ مطالب و خلافہای صادر از او کہ کاشف از فساد مسلک است ہمہ با سند و اساس دارد قطعی و محققاً اصل انجمن سری طہران را یا خودش منقذ کردہ یا **ک** ممکن عمدہ است، یازدہ فصل از مقاصد آنها کہ رویہ کاغذ زرد طبع شدہ بود و چون جلوگیری کردیم

که مرقوم فرموده اید فادم و انگشت عبرت بندگان
میگرفتند اجالی از خیانتهای او را در این مدت در
جواب تلگراف آقایان علماء و اجماع ذکر شد
انشاءالله تعالی ملاحظه فرموده باشند خودتان و
عموم ملت آذربایجان در باره او و امثال او متنبه
خواهد بود، خداوند عزاسمه شر او و امثال او را
از این مملکت و ملت فلک زده رفع فرماید.

اجالاً بدانید حقیقت عساکر کاری روس وانگلیس
اینگونه مردم اند و الا از عساکر قزوقین و تبریز
اگر اینها درکار نبودند خوبی نداشتیم و یقیناً تا حال
نمانده زودتر از اینها رفته بودند آنها هم بامید این
دسته کار کثافت داخل مانده اگر خبر از وضع
معاشها و استخدام مستخدمین و تلف مایه ملت درجه
مصارف و عدم صرف آن در تشکیل قشون نظامی
که برای چه غرض و چه مقصد بوده داشته باشید
باید عوض اشک خون گریه کنید که اینهمه زحمات
را برای چه کشیدیم و این همه نفوس و اموال
برای چه فدا کردیم و آخر کار بچه نتیجه شد
مقصودی بواسطه همین چند نفر خیانت کار دشمن
گرفتار شدیم کشف الله تعالی هذا الغم عن الملة، السلام
علیکم و رحمت الله برکاته

مطابق للحرره الاحقر عبدالله المازندرانی

جبل المتین

از نشر این مراسم نیز که دارای برخی از مسائل
مهمه بود از حضرت آیه الله مازندرانی متع الله المسلمین
بطول بقایه مذرت می خواهیم - نشر بجات بسیاری
از مطالب این دستخط در هفته گذشته شد، و ما
جمع مطالب آنرا تصدیق داریم ولی مطلب همان
است که هفته گذشته عرض نموده که تمام این دسائس
از روسیان است و بارهای اسکناسی که چند ماه
قبل وارد طهران شد و بجاهاتی که باید برسد
رسید البته بر مقام منبع ریاست روحانی اسلام
پوشیده نیست و البته دیگران شرح آن را نگاشته
اند و ما خطر آنیکه بر اسلام از دست خائنین دین
بجان دو آیه الهی شده بی اطلاع نیستیم فاته خیر حافظا
وهو ارحم الراحمین و باز هم تکرار میکنیم که تمام این
واقعات را روسیان با دستهای داخلی خودمان پیش
آوردند چنانچه در قتل آیه الله بهبهانی مدلل گردید و
قصدها این بود که بهر وسیله بتوانند مقام منبع ریاست
روحانی اسلام را که مؤسس اساس بشروطیت اند ازین
اساس مأیوس ساخته هر چه و هر چه در مملکت بدید آورند -
چون آیات باهرات حکمی که دو ماده تقی زاده
فرموده اند مبنی بر خطوط و مراسلات و بیانات
دیگران بوده لهذا جرئت نموده عرض می نماید که

دشمنان ایران اسباب را چنان فراهم آوردند که امر
را بر آنها مشتبه ساخته و آنان نیز بنا به اشتباه خود
امر را بر مقام منبع ریاست روحانی اسلام مشتبه کردند -
دلیل واضح تر ازین نیست که روسیان بزرگترین
دشمن تقی زاده بوده و تاکنون هم هستند چنانچه
هر کس در اخراج تقی زاده از مجلس جراید روسیه
را خوانده میداند که روسیان به اندازه از اخراج
تقی زاده سرور گردیده که از اهدام مجلس بدست
لیاکوف خوشوقت نشده بودند - مخالفت تقی زاده
با روسیان امری است که شبهه در آن مشکل و
مؤسس این اشتباه کاریها هم که روسیان بوده جای
تردید نیست، ازین رو نمیتوان گفت که تقی زاده
در حمایت روسیان متنی می نمود - بی ممکن است که
از روی اشتباه مانند دیگران تقی زاده هم شرکت
در امری نموده که بطریق غیر مستقیم فایده اش عامد
روسیان می شده است و همان نکته را روسیان از
طریق بلیتیک مستمسک نموده در تخریب وی کوشیدند
چنانچه در جواب دو خط قونسل بغداد که از مقام
منبع ریاست روحانی داده شده، و ما شرحش را
در آینده خواهیم نگاشت چه هیاهوها در دنیا اداختند
به تصدیق همین دستخط آیه الهی مقام منبع
ریاست روحانی اسلام تقی زاده را تکذیب نموده فقط
حکم فساد مسلک سیاسی او داده است، پس اشاعات
تکذیب که روسیان و سایر ارباب جراند در حق
تقی زاده داده اند غلط محض و عین کذب است -
اما مسلک تقی زاده آنچه ما در حق او عقیده داریم
این است که تقی زاده محب وطن و غیر رانی و بسیار
با حرارت است - تقی زاده دارای معلومات سیاسی
بترتیبات علمیه نیست با اینهمه تفرکات سیاسی اش
از بسیاری از وکلای مجلس پیش است و خدمات
نمایان چه در دوره مشروطه اولیه و چه در استبداد
صغیر و چه در این دوره بشروطیت نموده جنی
انکار برای احدی نیست

تقی زاده بیدین و پای نمیباشد با اینهمه محنت
بعقیده ما دارایی چند عیب هم هست - اول
بلنگ طبیعتی یعنی کمی را بالای دست خود نتواند
دید - دوم باری سازی - سوم حرارت سربینه
که ناشی از جوانی و عدم تجربه کامل اوست -
در این مقام فقط موضوع بحث ما یک مشابه
است که عبارت باشد از سلب نفوذ که روحانیت این
خادم اسلامیت این مسلک را در حق تقی زاده قائل
نتواند گردید، برای اثبات این مدعا مراسلات عدیده
تقی زاده که بیکی از دوستان خود نوشته ذیلا مینگاریم
(خلاصه مراسلات تقی زاده غره محرم سنه ۱۳۲۶)
نتیجه آمد ایران مدلل میدارد که جز نفع ذکله

بطهران کار میکنند و اگر غفلت شود کار از کار خواهد گذشت

با این مراسلات بیفش و مقدمه نمی توانیم به اقدام تقی زاده در سلب نفوذ کله روحانیت قائل شویم لذا ناچار میگوئیم که همان روسیان و روسی پرستان توایند این شبهات عظیمه را نموده اند و ما با کمال ادب از مقام منبع ریاست روحانی اسلام استدعا می نمایم که درین موضوع خاص تحقیقات ثانویه فرموده یقین داریم رفع شبهه از آموالی خواهد گردید ما خود مسلک تقی زاده را پسندیده نداشته و در هیچ موقع نیز مؤید او نبوده ایم ولی چون در سلب نفوذ کله روحانیت که نسبت بار داده شده قائل نیستیم و از خدمات صادقانه هم که درین مدت نموده بر حسب مسلک خود که قدر دانی است چشم پوشی نتوانیم کرد، بدین مختصر تشریح نانی از عقیده خود مان در حق او خویشترن را ناچار دیدیم و یقین داریم دیر یا زود همین مطالب مقام منبع ریاست روحانی اسلام نیز ثابت و مدلل خواهد گردید

اخبارات خارجه

§ وزیر داخله عثمانی دیشب (مستر چرچ هل و زوجته محترمه شانت) را دعوت نموده اعلیحضرت سلطان با (مستر چرچ هل) وداع فرمود، وزیر مالیه تا (اوربانوبل) مشابعت مشار الیه را خواهد نمود

§ مخبر (روتور) از پترسبرگ خبر میدهد که هفته گذشته در ۲۰ اضلاع روسیه (۳۸۵۵) نفر بمرض وبا مبتلا و (۱۹۸۱) نفر هلاک شدند. در (سامارا) این مرض شدت کرده ضمن هفته گذشته (۲۰۰۰) نفر مبتلا و (۱۰۰۰) هلاک شدند

§ مخبر (روتور) از عدن خبر میدهد که (ملای سومالی) با جمع کثیری قرب (بورآو) میآید و قبایل متحده بطرف ساحل میروند

§ شهزاده ولیعهد آلمان بعزم متفرق بعیده در (جنیوا) بر یکی از جهازات (نارتهجرمن لایدکیانی) اوایل ماه نومبر رهسپار خواهند شد

§ مخبر (روتور) از (لسبن) خبر میدهد در حصه نشیب شهر بولویس از يك خانه ده نفر را گرفتار کرده که نزد آنها اسباب نارنجك سازی بود یکی از مستخدمین آنها شهادت داده که خیالات این جماعت بلتیسکی بوده است

§ مخبر (روتور) از (ویانه) خبر میدهد که در عمارت (شوئین برن) (کاونت دون اپرنهال)

روحانیت عمل مشروطیت در اسلام پیشرفت نتواند کرد. درباریان شاه اسباب توهین آیه الله بهبهانی را که پیشوای آرادى خواهان هستند مصمم سکر دیده و ساعی اند ایشان را در مجلس و هم در نزد ملت و هم در محف بدنام کنند. جنابالی در سد این طریق و رفع شبهات از هر نقطه بهر قسم که بتوانید در حق آیه الله بهبهانی بنمایند

(ایضاً)

(غره شعبان سنه ۱۳۲۶)

شعبده بازی روسیان عاقبت دربار را مقصی المرام ساخت و کارها را عقب انداخت، نقشه دربار آنچه به تحقیق پیوسته این است که بهر وسیله بتوانند آقایان محف را مشتمه ساخته بوعده های عراقی از کار باز دارند و نجات ایران در مخالفت محف است با دربار استبداد، آنچه ممکن شود باید مت گهاشت که علمای محف ناسخ احکام اولیه خود را ندهند و راضی به سلطت استبدادیه نشوند که اگر چندی سلطت استبداد با این دربار باقی ماند بوسائل سیاسیه روسیان ایران را مانند بخارا تحت نفوذ خود خواهد کشید

(ایضاً)

(ذیحجه سنه ۱۳۲۶)

دربار برای مرعوب ساختن ملت جاره را منحصر بر این دیده که بهر وسیله امکان پذیر باشد و بهر اسم که بتوانند قشون روس را وارد آذربایجان نمایند ولو به سپردن آذربایجان بروسیه باشد، بلکه بتوانند بخر استبداد خود سوار مانند و راه جاره منحصر بحرکت آیات الله محف اشرف برخلاف دربار استبداد به ایران است و هر گاه تاخیر درین امر شود و قشون روس وارد بایران گردد اخراجش بسی دشوار خواهد بود

(ایضاً)

(غره ربیع الثانی سنه ۱۳۲۸)

و یا حضرات آیات الله محف اشرف کارها را هم تصور فرموده اند و حال آنکه ابتدای کار امروز است چه قشون بیگانه از هر سو مملکت را احاطه کرده و درسیان بدسایس دستهای که میدانید در کار انداختن انقلاب اند و نقشه شانت این است که آقایان محف اشرف را مخالف با مجلس نموده انقلاب در مملکت اندازند و یک جمعی بی مسلک نفهم هم پیدا شده که بظاهر وطن خواه و در باطن آتش بیار روستند بهر وسیله ممکن شود آیه الله محف را باید از حقیقت امر واقف ساخت، روسها در نقشه ورود قشون خود

مصمم است که اتحادی با دولت عثمانی قیام نماید .
وقایع نگار مذکور می نویسد که برخلاف اتحاد
(عثمانی و رومانیه) بین (یونان و بلغاریا) هم
اتحاد قائم شده است

¶ در (بوکارست) این خبر شیوع یافته که دو
فرزند کوچک امپراطور آلمان ماه اکتوبر در سان
قشون (رومانیای) شرکت خواهند فرمود

¶ وزیر خارجه (ارجنتاین) در خصوص اتحاد
(جبلی ، ارجنتاین ، و برازیل) نطق نموده و بر
آن در امریکای جنوبی سخت نکته چینی شده ،
چه نطقش مبنی بر این بوده که دولت قوی متذقاً
انتظام حکومت امریکای جنوبی را خواهند نمود .
مذنون است که از این نطق يك اتحاد پلنگی محدود
نظر است .

(۲۰ رمضان - ۲۵ سپتمبر)

¶ مخبر (روتر) از (لسن) خبر میدهد که
از یارتی ملتیان هبیج عضوی در مجلس افتتاحی
حاضر نبودند

¶ بموجب تلگرافی (روم) روزنامه (تریبونل)
اعلام می نماید که خبر عقد اتحاد (عثمانی ، آلمان -
و آستریا) و عهدنامه (عثمانی (و رومانیای) بدون
اضلاع دولت (ایطالیای) غلط محض است و (بین
دول ثلاثة ایطالیای ، آستریا ، و آلمان) این زمان
منتهای مودت برقرار است

(۲۱ رمضان ۲۶ سپتمبر)

¶ رئیس اوزاریه عثمانی از (پاریس) بسمت
(رن و وینه) رهسپار گردید

¶ غائب جراید اروپا در باره عهد نامه دولتمین
(عثمانی و رومانیای) بحث نموده بعضی اقرار و
رضی انکار می نمایند و در امور داخله عثمانی و یونان
خیلی بحث می کنند خاصه در ونجش بین دو تین
می نویسند که اتحاد (عثمانی و رومانیای) موثر دل
سردی (بلغاریا) و زوال قوت (یونان) خواهد
شد ، و جماعت جنگ حویان عثمانی امروزه کل
قوت دارند و اعتنائی چندانی به سایر دسته ها
نمی شود

¶ وقایع نگار (طمس) از (اتن) خبر میدهد
که ۱۳ هزار قشون آسیائی عثمانی در (رودلتو)
ماه گذشته جمع و در اضلاع داخله (اروپای عثمانی)
فرستاده شده و قشونی که جبهه سرکونی (آلبانیای)
آماده شده بود آنها نیز در سرحدات (بلغاریا و
یونان) تقسیم شده اند

¶ (دلی مبل) مینویسد که مسافرت بحری
شاهزاده و نهمه انگلستانی محض تکمیل تعلیم بحریه

و وزرای دیگر (آستریا و مجارستان) استقبال
امپراطور آلمان را نموده ، و وقت ظهر امپراطور
آلمان با (کاونت دون ایرنهال) محرمانه گنتکو و
بمعیت خانواده او تناول طعام نمودند و عصر برقیور
(امپریس ایلیزایت و برنس ردو اف) گلسته ها
نثار کردند

تلاکرافات

(۱۸ رمضان - ۲۳ سپتمبر)

¶ در (بروکسل) کانگرس ملی مصریان انعقاد یافت
مطابقین نظمیای بلیغ نموده برخلاف دولت انگلیس
(مستر روزیوات) کلمات سخت گفتند . و برای یادگار
شهیدان طریق آزادی مجلسی که باید بشود (برگومالتر)
از شرکت در آن انکار نمود .

¶ امپراطور آلمان از (وینه) رهسپار شد -
(امپراطور آستریا) تا ایستگاه بشاهت آمده با کل
مودت وداع فرمودند و سه مرتبه صورت اعلیحضرت
امپراطور آلمان را بوسیدند .

¶ روزنامه نیم رسمی (بوکارست) از وقوع
عهدنامه رسمی (ترکی و رومانیه) منکر است ولی می گوید
که در خصوص صلح فیما بین تدارک شده

¶ در لندن شب گذشته اداره خارجه ظاهر نموده
که صرافان انگلیسی تحت ریاست (مسر کیل) در
باره استقرار دولت عثمانی هبیج نوع کارروائی در
(پاریس) نکرده و آنچه بشود نیز بموجب اضلاع دولت
فاسه خواهد بود . از این رو ظاهر میشود که
صرافان انگلیس هبیج نوع برخلاف دولت فرانسه
نمیخواهند اقدامی نمایند .

¶ کارخانه کروپ | دو قسم توپ مخصوص جهت
رفع با توپهای جنگی اختراع کرده . یکی آنکه از
روی زمین شلیت شود سیر آن قرب همت حرار
درع و دیگری که از روی دریا شلیت شود سیر
آن قرب دوازده هزار درع و به درجه (۷۵) قائم
تواند شد . و در شلیت روز دود و شب روشنی
ظاهر میدارد .

(۱۹ رمضان - ۲۴ سپتمبر)

¶ تلگرافی از پاریس رسیده که از عدم اقدام صرافان
انگلیس درباره قرضه دولت عثمانی هرکس خوشنود
و تحسین می کنند

¶ وقایع نگار (طمس) از (اتن) می نویسد که
(مسیو برایشنو) وزیر خارجه به سفیر عثمانی مقیم
(بوکارست) در ۴ سپتمبر گفته بود که اگر بین
دولت عثمانی و بلغاریا جنگ واقع شود (رومانیای)
در سرحد (بلغاریا) قشون خود را فراهم خواهد کرد
جبهه جلوگیری واقعات غیر مترقبه و (رومانیای)

مسدود گردید

(۲۵ رمضان . ۳۰ سپتمبر)

§ مخبر (روتز) از (واشنگتن) خبر میدهد که اوضاع چین خیلی منقلب است و بلوای مثل (بکسر) محتمل الوقوع میباشد .

✽ توجه از روزنامه طمس لندن ✽

(مورخه ۱۳ سپتمبر روسیه و ایران)

تلگراف خبر نگار شهرات شا که در نمره دبروزی روزنامه (طمس) طبع شده بشهرتائیکه در این چند ماه آخر می شنیدیم در باب شرایطی که روس برای احضار قشون خود از ایران تکلیف نموده است صورت معینی میدهد شخص مایل میشود که این شهرتها اهمیت و اعتباری ندهد ولی تلگراف امروز شا جای شك باقی نمیگذارد ، میگویند روس حاضر است قشون خود را از ایران ببرد بشرط آنکه دو امتیازیکه معین و مشخص نموده است بار داده شود . بعبارت دیگر روس معترف است که حضور قشون او در ایران لازم نیست و فقط مقصود که حالا از نگاه داشتن آن دارد این است که امتیازات مزبور را بگیرد ، شکل تازه که این مسئله حالا پیدا کرده است یقین دارم اسباب نهایت تاسف تمام دوستان روس خواهد بود من میدانم که این مسئله مورث تصدیق توهمات و سوء ظن اهل ایران خواهد شد و دست آن ایرانیان را که مایل اند و سعی دارند که اسباب تحیب مابین هموطنان خود و روسهارا فراهم آورند و طوری بکنند که اهل ایران قدری اطمینان نسبت بروس بهرسانند ضعیف خواهد کرد ، چطور ممکن است حرف این توصیه کنندگان دوستی روس در مقابل اثر وخیمی که رفتار حایه دولت روس ناچار خواهد بخشید تأثیری بکند ؟ وقتیکه روس در شرف فرستادن قشون بایران بود آیا بدول اروپا اعلام نمود که بمحض اینکه خطری که بعقیده او برای اروپائیهابود رفع شد قشون مزبور را پس خواهد برد ؟ قول خبر نگار شمارا که میگوید اوضاع حایه باید دولت انگلیس را بزحمت و اشکال اندازد کاملاً تصدیق دارم

مطمئن هستم که آرزوی تمام دوستان روس و آرزوی اشخاصیکه مثل خود من مایل اند دوستی مابین ملتین زیادتیر بشود این است که اولیای امور روس حتی الامکان طوری بکنند که اعتماد ایرانیانرا بخود جلب نمایند و نه اینکه از خود سلب کنند ، امیدواریم هنوز بر دیر نباشد برای رفع این خطا (امضا یکنفر ایرانی خیر خواه روس)

هشتم سپتمبر

اوست و از رسمیت طاری خواهد بود - اعلیحضرت جاج پادشاه انگلستان را خواهش این است که قبل از بلوغ شرزاده وایعهد در هیچ امری از امور رسمیه شرکت نه نماید

§ وقایع نکار (دیلی تلگراف) از پترسبرگ مینویسد که میزان اخراجات روس در ۱۹۱۱ (۱۱۳.....) میباشد و نسبت بسال ماضی (۲۳.....) بیشتر است منجمه آت (۲۸.....) جبهه تسمیرات جهـ ازات جدید در مقابل (۹.....) در سنه ۱۹۱۰ میباشد - § هفته گذشته درممالک روس (۲۴۰۵) نفر بمرض وبا مبتلا و (۱۲۴۴) هلاک شدند .

(۲۲ رمضان . ۲۷ سپتمبر)

§ امپراطور آلمان - اعلیحضرت (مانول) را دو (بران) ماه دسمبر دعوت کرده بذیرانی باشکوهی بعمل خواهد آمد و تماشای جنگ مصنوعی را خواهند نمود و این ملاقات بسیار اهم متصور شده .

(۲۳ رمضان ۲۸ سپتمبر)

§ | برنس سانی سن | در | قصر سفید | مدعوی (مستر تفت) رئیس جمهور امریکا بود - § رئیس الوزرای عثمانی بعد از ملاقات با (کاونت وون ابرینتال) بسمت اسلامبول رهپار شد - § مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که امپراطور ژاپون با (وایس امیرالبحر سرافریدوسلو) ملاقات فرموده نائب امیرالبحر مذکور سردار دسته جهازات زره پوش انگلیسی است که عملاً در (یوکوهاما) توقف نموده .

(۲۴ رمضان . ۲۹ سپتمبر)

§ روزنامه (کوئی بیسی زیتنگ) مینویسد که دچ بنگ آلمان آماده است به دولت عثمانی ۶ میلیون لیرا قرض دهد هر وقت خواهش نماید - § تلگرافی از (آتن) رسیده که کار کابینه وزرا بحای ازک کشیده عساکر عثمانی با منتهای شدت اسلحه مردم را جمع میبایند و هرکس که بمرد میکند خاه اش را آتش میزنند - عیسائیان هم روزه برنجیهدکی شان می افزاید .

§ بین مردوران زغال و پلیس دبروز بعد از عصر با شدت تمام جنگ شروع شد - پلیس با شمشیر مردوران را مجروح نمود و شوارع از مجروحین مملو گردید - آتھائی که سخت مجروح بودند بشفاخانه فرستاده شدند - چهار نفر از وقایع نگاران که یکی از آنها مخبر (روتز) بود مجروح و پلیس غالب آمده است ، نتیجه این جنگ تاکنون محقق نشده ، دکاکین شراب فروشی برلن قبل از مغرب

(جل سائین کلکتہ) وکلا حق اخذ اپوزیٹو قبض ندارند و تالیف کنند
(مشتراکین را قبض مخصوص سال هجدهم دست ندارد)
(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)
(فہمہ شان پری شناختہ نمیشود)

HABUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE DISTRICT
CALCUTTA.

(قیمت اشتراک)
(حالاتہ — شش ماہ)
(ہند و برہمہ)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

المبتدیان

سنة ۱۳۱۱

مراعات خصوصی بدون امضای

(معروف ادارہ درج نمیشود)

(کلیہ امور ادارہ با)
(مدیر کل مؤیدالاسلام است)
(ہر دو شنبہ طبع)
(دو شنبہ توزیع میشود)
(یوم دو شنبہ)
(۱۳ اشوال المکرہ ۱۳۲۸ ہجری)
(مصادف با)
(۱ اکتوبر ۱۹۱۰ میلادی)

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آراحت)

حضرت ناصر الملک

باتفاق جمہور دانایان بہترین تصادف ایران بعبادت
در موقع انتخاب حضرت عالی است بہ نیابت سلطنت
کہ تا بلوغ پادشاہ سلطان کامل الاختیار میباشید
چہ علاوہ بر کمال علم و سیاست و اطلاع بر مقتضیات
وقت بحیل اعتماد داخلہ و وفاق خارجہ و تصور
ہیچگونہ موا و ہوسی جز خیر وطن و سعادت
ملت و ترقی مسلمین در وجود عالیت قائل نیستند
با این حسن ظن ملت تاکنون موقع اراخ خدماتیکہ
در خور لیاقت و قابلیت آن وجود مہتمم است نرسیدہ
بود یعنی در ہر موقع کہ حضرت بہ وزارت
نامزد شد موافقی در پیش بود کہ یا استتکاف از قبول
نمودہ و یا مابقی بزرگ در جلو داشته اند کہ ہشرفتی
نمایان در کارها روی نمود

اینک بحمد اللہ موانع از ہرچہ مرتفع و اسباب
یشرفت مقاصد عالیہ حضرت ہمہ گویہ مجتمع بر
فرض کہ برخی موانع جزئیہ ہم متصور باشد در قبال
عزم و اسخ و حزم ثابت رفتن بسی آسان است
تصور نمی شود کہ موقی نازکتر برای ایران از
امروز باشد و یا وقتی بہتر از این برای حضرت
در ابراز لیاقت و خدمت بوطن محبوب پیش آید
چہ ذات عالیت از ہرگونہ مسئولیت عاری و بری
و بطرف اعتراضات من لا یشعر این و آن نمیباشد

چون دانایان وکلای مجلس و کابینہ وزراء و عامہ
ملت و مقام منبع ریاست روحانی اسلام با خیالات
حضرت ہمراہ آمد ہیچ مانعی برای یشرفت مقاصد
و ابراز لیاقت در خدمات وطنیہ دیدہ نمی شود و
این جمعیت اسباب احدی را فراہم نیامدہ و میتوان
گفت کہتر وای کسی میسر تواند شد ہمانقسمیکہ در کابینہ
اول ما خود عقیدہ بت قبول وزارت حضرت نداشتیم
درین موقع انحراف حضرت را از عہدہ نیابت
سلطنت بزرگترین زیان باستقلال ایران می دانیم و
امیدواریم کہ با منتهای سرعت از (کانتراکوبیل)
حرکت فرمودہ بور دیدہ ایرانیان یعنی فرزند
دیندان را درین موقع خدمت وطن بخدا سپردہ
رہسپار صہران گردند و خدای ناخواستہ ہرگاہ
درین موقع نازک بیز پس از قبول نیابت سلطنت
چندی امرار وقت فرمودہ استعفا فرمایند علاوہ بر
اینکہ امید ملت را تبدیل بہ یاس کردہ اند یکگونہ
تولید سوء قہمی ہم در ایرانیان خارجہ و داخلہ
حوامد گردید

اگرچہ ما تصور چنین پیش آمدی را نمی نمایم
ولی باز ہم بر حسب وظیفہ خود حضرت عالیت
را توصیه میکنیم کہ این موقع اہم را برای خدمت
ملت از دست ندهند و حقوق مادر وطن را کہ
بحضرتت پیش از دیگران است ادا فرمایند

اگرچه میدانیم که حضرت همه چیز را نوشته
خولنده و ناگفته دانسته اند ولی بر حسب وظیفه خود
بجراعات الامم فالام اشاره برؤس بعض مسائل را
لازم می شماریم

امروز چیزی که مایه تشویش عامه و سبب هرج و مرج
مقام منبع ریاست روحانی اسلام و عموم دانایان ایران
گردیده همانا قیام قشون اجنبی است در داخله که
همراه استقلال ایران را تهدید می نماید، و اگر چندی
دیگر کار مدینوال ماند نظر بر اینست که چنانچه صبر
ایرانیان لبریز گردیده ممکن است بعضی اتفاقات ناگوار
پیش آید، و مسلم است پیش آمد آن اتفاقات در زمان
نائب السلطنه کی حضرت ملک لیکه تا زبانی بر آن همه
حسن ظن ملت و آن درجه نیک نامی وارد تواند آورد
ظاهر است که همسایگان بدون هیچگونه حق
منسوع و بهانه صحیح قشون در ایران نگاه داشته
و در ایحمت دخالت های مسلحه بیگانگان نه ملت از
روی علم و درایت و نه دولت از روی سیاست و
دانش در اخراج آنان قدمی برداشته و نظر به
مقتضیات سیاسی کنونی کن نمی رود کلیه (الحق این
عقب) را متجاوزین حقوق ما بتوانند دلیل حقانیت
خود قرار دهند، نهایت این است که از مرعوبیت
ملت و دولت یا جهات آنان فایده برمی گیرند

ایرانیان تا جائیکه ما اطلاع داریم هرگاه قائد
عالم دانای ما سیاست داشته باشند بقسمی ماده شان
مستعد است که هر جمعی و فداکاری اقدام نموده
کار های عمده را از پیش توانند برد، پس اگر
قصور از ملت دیده شود تقصیرش و گردش
قائدين است

با بودن قشون بیگانه در داخله ایران جمعیت
خواطر برای ایرانیان رخ نخواهد داد و با
نائب السلطنه کی حضرت هرگاه خاطر ملت آرام
نگیرد خوشنای کنونی باقی نتواند ماند، و این
حسن ظن ملت بزرگترین اسباب پیشرفت مقاصد
حاله حضرت بشار است، پس اولین وظیفه
حضرت اخراج قشون بیگانه و رفع تشویش از
ایرانیان خارجه و داخله است

منصور نیست که قیام قشون بیگانه چون به
بهانه است لازم می آید که در ضمن اقدامات سیاسی
و مجاهدات اقتصادی رفع بهانه آنان را نیز بنماییم،
و آن منحصر به تشکیل اردو های سرحدی و
مرکزی است و او هم منوط بفرام نمودن یک
مقدار وجه از داخله یا خارجه میباشد که به مقیده
ما با اقدامات جدی حضرت چه در داخله و چه
در خارجه چندان دشوار نیست که امروزه در

سایه اعتماد ملت و وثوق منور میندان، بخت اطلبت
انجاح این امر ابداً دشوار نمی نماید، فعلا هرچند
همسایگان از هر سو امروزه دارند باران وارد
می آورند از عدم علم ایرانیان بجهت آنان است،
غرض از مجبور آید ما دادن اجوبه تراکت شکنانه زبانی نیست
بلکه اقدامات سیاسی است در مقابل اعمال کنونی
و همسایه، هرگاه تشبثات سیاسی نشود با وضع پیشرفت
کنونی اجاب در داخله ما بقای استقلال ایران بسی
دشوار است،

مقیده ما بقای استقلال ایران امروزه منحصر
بدو راه است، یکی آنکه دولتین را زبان سیاسی
فهمانده تا بحقوق خود قناعت ورزیده قشون خویش
را عقب کشیده ترك دخالت های غیر قانونی گفته
ایرانیانرا بحال خود گذارند، و اگر باز هم از زیادت
باز نیاند مصدر امور تشکیک رک رقابتی در
جلو آنها داده موقفاً استقلال خویش را در سایه
آن رقابت محوط داشته تا بتدریج نتواند استقلال
خود را بر اساس رزنی بگذارند و به اشارات سیاسی
باید مجبوریت ایرانیان را در رقیب زانی به همسایگان
حالی نمود که هرگاه مایل بدوستی ایرانند ترك تجاوز
گویند و آنها را مانند عثمانی مجبور به ائتلاف با
اتحاد تلافه نمایند

بر هیچ آشنای سیاسی پوشیده نیست که میل
آلمان و منافع او در اتحاد با ایران از عثمانی کمتر
نیست، نهایت اینکه در ایرانیان کتر کله سیاسی دیده
اند که این مسئله اهم سری را با او متداول آرد،
امروزه مقتضیات سیاسی داخله و خارجه ایران
بیشتر ازین احزله تجاوزات به همسایگان نمیدهد

شصت کرور نفوس ایرانیه (از تخمین احسابیه
که تازه معلوم شده است) که تازه جنم باز نموده
زربار اسارت اجاب نتوانند رفت حتی در صورت
مجاهده اقتصادی و یا جهاد دفاعیه هیچ یک از
همسایگان فایده حاصل نتوانند کرد، بشرق دست
و قوه اجحاف همسایگان نمیتوانند دوستی خودشان
را در قلوب ایرانیان جای دهند، امروز موقع آن
گذشته است که با ایرانیان تکلیف نهمی کنند، ایرانیان
از کلیه اقدامات همسایگان و متبایه مقاصد آنها
آچه باید بفهمند فهمیده اند، و بر فرض هم که در
حالت مجبوریت زربار اجحاف رفته اظهار دوستی
نمایند دامری خواهد بود، و در هر موقع که
دستشان برسد با رقبای آنها ساخته تولید مشکلات
سیاسی برای آنان خواهند نمود

این نکته را نیز ناگفته نمی گذاریم که همسایگان
چون امروزه امیدواری تمامه ایرانیان را باقی

ذات والا داشته اند برای مایوس ساختن آنان و مجبوریت شان در قبول تکالیف آنها متبادرجه سی را خواهند داشت که نگذارند بزودی کاری از حضرت عالیت صورت بندد، لذا هم حضرت عالی و هم مجلس مقدس و ملت و رؤسای روحانی باید ترك استقامت و استقلال نگذنه به استغنا یا ونجس و کدورت که علت حقیقی اش همسایگان خواهند بود از پیشرفت مقاصد باز نیایند. امروزه با اتحاد دولت و ملت در سلسله اقداماتی که بمحضرت عالیت دارند سنگ های بزرگ را از پیشی توانست برداشت و خار هلی عظیم را از جلو راه خود توانست ببرد.

تذکرات روتر راجع بایران

(۱۴ اکتوبر - مطابق ۱۰ شوال)

بمخبر روتر از طهران خبر میدهد که رسماً خبر یافته است که جناب ناصرالملک بدون هیچگونه عذری نیابت سلطنت را قبول فرمودند

(جبلالتین)

نامه مقدس که زبان گویای ملت است لشکر خود را از آقای ناصرالملک در قبول عهده نیابت سلطنت تقدیم می نماید، و امیدوار است سریماً بجانب ایران حرکت فرموده بزرگترین قوت قلب را بایرانی خواهان حقیقی بدهند، خدای را شکر که برخلاف امید، با آفت همه موانع داخلی و خارجی که ما میدانیم برای ایشان مهیاست هیچگونه عذری در قبول نیابت سلطنت نیسورند و ازین خدمت وطنی صرف نظر فرمودند، فقط استدعای ملت آنست که هرچه زودتر ممکن شود مسند نیابت سلطنت را بوجود خود زینت بخشند

(ایضاً)

بمخبر دولت ایران به سفارتین روس و انگلیس برای اطلاع دادن بدولت متبوعه خود شان رسماً اعلام نموده که محمد علی میرزا ایل ترکان را برخلاف دولت اغوا می نماید

(جبلالتین)

اغوای محمد علی ایل ترکان را از واقعات غیر مترقبه نبوده، ظاهر است که محمد علی علاوه بر خود پسندی و ایران فروشی که جیل اوست امروز مانند کنجشکی در بجهت روسیان گرفتار است، درین حال اینگونه اقدامات را از او غیر مترقب نمی توانست گنت، دانایان روزه میدانند محمد علی اغوای ایل ترکان را نموده، بلکه باسم او روسیان بجهت پیشرفت مقاصد خود و بر سنگ روسیه بیخ ساخته اند، مصادر امور راست که بحسب قرار داد مواجب محمد علی را قطع نموده بکفنه ترك علاقه او را از

ایران بجاوند، و پیش بندی از اسادات منصوره وی بکنند، چه محمد علی روس پرست ایران فروش اسلام کش از هیچ اقدامیکه بحال روسیه فائده بخشد فروگذار نخواهد نمود، آیت الله نجف اشرف راست که از دسیسه او بی خبر نباشد غرض از استغنائی را که باسم ملکه جهان نموده ملتفت شوند تا تولید مشکلی تازه در ایران روی ندهد (۹ اکتوبر - ۵ شوال)

بمخبر روتر از طهران خبر میدهد که در اضلاع جنوبی غارت و عدم امنیت کسب اتمومیت نموده - بواسطه بی نظمی شیراز و اطراف آن کبابی تلگراف از ترمیم سیم عاجز مانده و حکومت نیز از همراهی با محافظین سیم محروم است

جبلالتین

واقفان رومز میدانند که علت صدور این تلگراف ها انا ایستادگی وزراء است در اخراج قشون روس - چون در شمال برای روسیان عذری باقی مانده اینک جنوب را متمسک شده اند - شك نیست که واقعات جنوب خاصه بلوچستان و فارس و بنادر و جزائر خلیج فارس خیلی جلب نظر دقت است ولی این واقعه تا زکی ندارد و صدور تلگرافی باین شد و مد را علی تجز معاهده دولتین بنظر نمی آید پس مصادر امور راست چنانچه رفع بهانه همسایگان را در شمال نموده از جنوب هم بفرمایند ورنه این قافله تا بحشر تنگ خواهد ماند

اوضاع جنوب

خوف آن داریم امیدواریمای ملت که بکابینه فعال خود داشت رو به ناامیدی گذارد، چه اینک قرب سه ماه است کابینه جدید بروی کار آمده، شك نیست که ابواز فعالیت را در خلق سلاح از فدائیان داده و طهران را امن نموده ولی هیچگونه اقدام جدی که شایسته تمجید باشد در جنوب ابراز نشده و حالت امروز جنوب از قبیل تشکیل این کابینه بهتر دیده نمی شود، جنوب هم روزه دارد کسب و خامت می کند، مملکت زرخیز وسیع بلوچستان که اهمیت اقتصادی و سیاسی اش برای ایران از هیچ نقطه کمتر نیست اندک اندک دارد از خریطه ایران محو میگردد، هرکس نظر دقت در نگارشات جراید انگلستان داشته باشد میداند که وخامت اوضاع جنوب امروزه کم از شمال نیست و خاصتاً میتواند بی باقبت بلوچستان ببرد

اوضاع فارس را هم ما بهتر از بلوچستان می بینیم راهها نا امن، شهرها بر آشوب، امنیت مالی و جانی مرتفع، در هر مری يك سودائی دیده می شود، ما مشکلات کابینه را نیکو دانستیم، ما میدانیم که

این واقعات نتیجه سهل انگاری ادوار سابقه است ولی از کابینه جدید صریحاً متنی اصلاحات جنوب هستیم، علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد آیا منتظر اند که قشون بیگانه با سم امنیت در جنوب هم طاند شمال داخل شده آنوقت از روی اجبار بعضی اقدامات جدی بنمایند؟ خوبست آن اقدامیکه در حال اجبار خواهیم نمود اینست که اختیار داریم بنائیم، امروز موقع آن گذشته است که کابینه فعال ما کارهای مهمه مملکتی که استقلال مارا تهدید مینماید به ضمیمت وا گذارد تا وقتی که دولت جدید امنیت امتدادی در جنوب ندهد رفع بهانه حوثی مسایه شمالی نخواهد شد، و زبانشان در اخراج قشون بیگانه کند خواهد بود

کابینه فعال ما باید از اصول بوسیده ادوار سابقه که رؤسا را بروی هم وا داشته آسوده می زیستند صرف نظر نماید، نتیجه که از آن مسلک محسوس حاصل شده حال اسف اشغال کنونی ماست، دولت جدید بدون قوه قاهره در امنیت مملکت بیرامون مراسمی بگردد ره مقصود نه پوشیده، امروزه هر وسیله ممکنه باید تشکیل اردوی صحیحی سریماً برای جنوب داده و حاکم مقتدر صاحب حزمی با استعداد کافی بطرف بلوچستان گسیل دارند و بنسازد، و جزائر خلیج فارس را پیش ازین محل توجه خود قرار داده تواید مشکلات سیاسی برای آینده ایران نمایند درست در معاهده دواتین مسایه اویک شده به بنند که جمیع اعتشاشات و انقلابات در منطقه نفوذ آنهاست و از این نکته بی ببرند که اگر جلوگیری نشود چه عاقبت و خیزی برای ایران تواید تواند کرد در ابتدای تشکیل کابینه کنونی نگاهشتم که در هر انقلاب و تبدیلی یک گونه سکون بحرانی در مملکت روی میدهد، و باید بان سکون بحرانی وزرای ما قناعت نمایند، مع التاسف می یابیم که کم کم هیمنه وزراء فعال ما دارد مرتفع میگردد

رشیدالسلطان در ورامین، امیرمکرم در مازندران و امثال آنان در جاهای دیگر سر بیانیگری نهاده سکون و آرامی و از ملک و ملت مرتفع داشته اند حتی بدبختانه با آنچه اردو کشی ارفع شر نائب حصین کانی و محمدعلی کتبابادی و امثال آنها نگردیده ما نمیگویم کابینه وزراء نعلن کرده و میکنند ولی

ایشان را متوجه باین نکته می سازیم که درخت دقت نمایند که نتیجه این واقعات چه خواهد شد و جلالت و جراتیکه همه روزه در باغیان می افزاید در فعالیت آنها چه اثر خواهد بخشید

ما کان نداریم که اگر چندی جنوب باین حال ببق ماند کابینه کنونی از عهده امنیت آن برآید، سلم است که در آن صورت بقای این کابینه هم دشوار خواهد بود، هر چیز ابتدا کوچک است رفته رفته بزرگ می شود، مستبدین و دست های خارجی از یک طرف همسایگان انقلاب خواه از طرف دیگر دست یکی کرده میخوانند خوشنای این کابینه را هم که بغافلیت حاصل نموده، تبدیل به بدنامی نمایند.

بد بختانه مسئله اخراج قشون روس و جلب مستشار های خارجی با آنچه شد و مد که عالی را بر کرد چنان در بوته احمال ماند که (ان لم یکن شیئاً مذکوراً) بنظر می آید، ما منکر اشکالاتی که در جلو کابینه است نیستیم و حسن ظن خود مانوا هم از وزرای فعال خود مرتفع نداشته ایم، ولی مجبوریم که پیش آمد اوضاع را بایشان متذکر شویم و امیدواریم که آن نام نیک و لقب فالت را به آخر رسانیده حسن ظن خودی و بیگانه را در حق خودشان باقی و برقرار دارند

صورت استثناء

حضور مقدس بندگان حضرت مستطاب آیه الله خراسانی ارواحنا فداء. بعرض میرساند مشهور است که درباره جناب آقا سید حسن تقی زاده تبریزی حکم تکفیر صدور یافته است، آیا صحیح است یا خیر؟ استدعای عاجزانه آنکه حقیقت امر را مرقوم بفرمائید امر کم مطلع

صورت تبرئه حضرت مستطاب آیه الله خراسانی

(از تکفیر تقی زاده)

(بسم الله الرحمن الرحیم)

نسبت حکم تکفیر موسی الیه باحقر کذب است

(حرره الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

حبل المتین

هفته گذشته تبره حضرت مستطاب آیه الله مازندرانی را درباره تکفیر تقی زاده در خط مخوص خود شان نگاهشتم انست از حکم تبرئه حضرت مستطاب

آية الله خراسانی است با این دو تیره رسمی جبل‌المتین رسماً از طرف آئین بهتین تردید مینماید تکذیب تقی زاده را و تکذیب میکند نگارشات جرابد روسیه را که نسبت تکفیر او را بمقام منیع ریاست روحانی اسلام داده اند

لا بحة هیئت مقدسه علیه نجف اشرف
چندیست لسائلی بعضی ارباب جرابد بی درایت یخبر از سیاست بطمن و مناقشه دوازده و میباشان بقدر یاکان بوده و مسلك نقادی و اعتراض در مبادی طالبه را بشهادت ساخته غافل از آنکه بزرگترین وسائل یولتبی روس و اعادی دین را تقویت و تأیید میکنند، بر هیچ واقعی باوضاع سیاست پوشیده نیست که اجانب همجوار که سالها مترقب حمله باستقلال ایران و در کین اضمحلال اصل اسلام و استبداد ممالک مسلمین هستند هیچ قوه رادعه جلوگیر از پیشرفت خیالات خود نمی بینند و بقوای ماده دولت ابدأ اعتنائی ندارند مگر فقط همان قوه مدیه که که تہیج و تسکینش قائم بقوه روحانیه اسلام است، هر چند نفوذ و مسلمیت حکم رئیس روحانی در قلوب ملت محکم تر، اساس پلتیکات شان ست تر، والبتہ بہر وسیله باشد در کاهش این قوه مضویہ و اعدا و اسباب اضجار و نفرت قلوب عامه بتقریب اشارات جرائد و طرق دیگر کوتاهی نکرده و نخواهند کرد،

چون درین مدت کارکنان و حامیان پلتیک روس به هیچ وسیله نتوانستند تصرفی در اجزاء و روابط مبدع روحانی بکنند بوعده و وعید بالکلیه مایوس و منقطع الرجا شدند، بوسیله هرزه سرانی بعضی خبر نگاران تخدیش اذہمان و تشویش افکار و افہام عامه را فراهم که بحلب اضجار قلوب ملت مطاعیت و مقبولیت اوامر رئیس را از کار انداخته و بدسیسه فتنه انگیزی میان ایلات و عشائر و ترعیب و تهدید ویا وعده و نوید باولیای امور مشغول و موقع پیدا کند،

خبلی عجب و حیرت است از برخی مدیران جرابد اسلامی که مقام جدید و اہتمام و فعالیت حضرات آیات الله و در تاسیس مشروطیت و در اعاده آن بجمیع وسائل ممکنہ اطلاع کامل دارند و شاید میدانند کہ در دورہ انقلاب و در مجبوعہ اقتدار و فرعونیت محمد علی میرزا

با قوت فشار عثمانی آنہمہ کرنشها و تلیسهای محمد علی میرزا بتوسط ایلیچی و تقریبات دیگر و تقدیم خدمات پیشہاد کرد و چه دسایس و وسائل مختلفہ از مرکبا انگلیخته شد، با آنکہ در آنوقت قلوب نوع مردم از وضع مشروطیت مناضجر، مع هذا حضرات آیات الله کالجیل لا تحرکہ العواصف بدون خوف لومة لایم و با معاینہ ہرگونه خطر جاتی و اہلی محض حفظ استقلال مملکت اسلامی بذل جمیع قوہ و حیثیت و حتی خود در سبیل اعادہ مشروطیت و استحکام آن اساس کردند،

با احوال در شماره ۳۸ شمس در تحت عنوان رابطه قونسول روس با علمای نجف یا اضمحلال اسلام بدون تحقیق از روی خبر یک شخص مجهول الحال منہی بہ راپورتچی گری روس یا در نزد اہلش معلوم الحال بعضی اشعارات ریبہ انداز نمودن زہی شککت و مورد حیرت است با سہ است موقع شناس بخون احساس کند مرض آت منافق خبر نگاری را کہ مکاتبہ قونسول روس را بعنوان رابطه و خصوصیت جلوہ میدہد، با اینکہ ہمیشہ مکاتبہ با جمیع قنصل بودہ و بادازہ ضرورت و اقتضای سیاست وقت رد مکاتبہ می شد مسلکی تازہ و مطلب جدیدی اتفاق نیفتادہ و بر همان جدیت و حرارت و فعالیت سابقہ بلکہ اشہ با جمیع ملاحظہ موقع شناسی ثابت و جازم هستند۔

اگر روز نامہ نگاران خارجه و داخلہ و بعضی مدعین سیاست و ترقی خواہان اسلام و مسلمین کہ بیک نظر سطحی و بیک چشم فکری از جنبہ قصور نظر و عدم احاطہ بملاحظات لازمہ بر بعضی اقدامات و اصدار احکام از حضرات آیات الله اعتراض و مناقشہ داشته باشند بعقبہ و مسلک خودشان و مرض و غرضی ہم نداشته باشند، اولاً در طریق استعلام و تحقیق در میات چند ہرار طلبا و علمای نجف نباید بہ خبر یک شخص متمم فاسدی کہ بطراری چند روزی خود را مشروطہ خواہ جلوہ دادہ اکتفا نماید و بعد از تحقیق صحیح اگر بر مطلب نظری داشته باشد از خارج بمکاتبہ نکتہ و وجہ کار را بخواہد و نظریات خود را شعار نماید تا جوابہای شافی مسکت دادہ یا متنبہ و ملتفت شوند نہ آنکہ ہرچہ بقلمشان سایر صفحات جریبہ را پر کنند و اذہمان عامہ را

مشوش و منضجر سازد که غایت مراد مستبدین و دشمنان دین و بهترین بولتیک روس است، هنوز مالکله رفع احتیاج از اعمال قوه روحانیه نشده و هرگز هم نخواهد شد، هنوز ما بودن قشون روس و جبل و نای ملت و اختلاف اهوا و اعراض دانیان و اساس مناقشه و هم چندی روسای ایلات و عشایر بزرگ که آفته های عظیمه را نهید می کند و تواید انقلابات موحشه را اخطار میناید جز قوه روحانیت و جلوگیری احکام آیات الله اصلاح و نسکین آن فن هدیج قوه مترقب نیست و یا در مقام حزب اقتصادی در صورت ضرورت بحکم که تحریم استعمال امتعه خارجی و اسباب رویج متاع داخلی و سایر ترتیبات لازمه خواهد شد، افسوس که ارباب جرابد از وظائف خود خارج در عوض تنبیه و تنویر افکار و جمع قلوب و توجه خواهر ملت بجانب انقیاد اوامر حجج و آیات الله تشویب و تخدیش ادعا عامه را بطعن و مناقشه افاده میکنند و این معنی جز مضرت بدیات و سیاست دیج امری را نخواهد داند. اگرچه این مزخرفات و اکاذیب محل اعتدای حضرات حجج و آیات الله نخواهد شد و از مقام حدیث و ثبات عزم و صدق قدم نخواهند ست و سردشد، ولی موجب امیدواری خائنین و مستبدین و نشوایش خاصر و اضجار قلوب عامه و تقویت بولتیک روس و هزار مفساد بزرگ خواهد شد. حضرتعالی بخون ملتت از انحاء دسایس و نیرنگهای رسگارنک مستبدین و بولتیکات اجانب هستید مستدعی است که بعد از درج این لایحه بهر تقریبی که مناسب بداید بر حسب وظیفه که از هیجده سال الی حال خود را دمه دار و متعهد شناخته اید در تأیید اسلام و تنبیه و اعطاء ملت و تقویم و تعدیل اسان حراید به بیانات فلسفیه مسالک معوجه منجر فرمائی بعضی ارباب جرابد را باستقامت و جاده اعتدال متوجه ساخته که من حیث لایحه در تقویت بولتیک روس مبالغه و کوشش بنمایند و هرگز تصور نکنند که دیگر هدیج احتیاج به قوه روحانیه نداریم و ابدأ ترقی اسلام و مسلمین را جز به تمدن اسلامی و حسن مراقبت و توجه رئیس روحانی طرف مقتضیات وقت توقع نباید داشت

هیئت مقدسه علمیه نجف اشرف

دستخط حضرت آیه الله مازندرانی
(به جناب شریعتمدار آقا حاجی)
(شیخ اسدالله مامقانی)
(در اسلامبول)

جناب اب شریعتمدار عمده الاعلام کفای الامام شر الاسلام آقا حاجی شیخ اسدالله مامقانی دام نایده عرض میشود. انشاء الله تعالی بافاقت پاینده و بنزید نایید و تسدید مخصوص خواهد بود. رقبه شریفه مورخه ۶ شهر شعبان عروصول بخشید شرحی که از اکاذیب و منتریات واصله از نجف اشرف و مهم نمودن بزرگان دین و اساطین مذهب با ارتباط با قونسل روس و اسلام فروشی و درج این اکاذیب و مفتریات در جرائد ترکی و فارسی مرقوم فرموده بودید عجب بر عجب افزود، الحمد لله رب العالمین که از صدمات وارده بر انبیاء و اوصیاء علیهم افضل الصلوات والسلام حظ و امر و نصیب کاملی برای این خدام شرعاً و نوراً مقتدر بوده، سب و شتم مستبدین شہانت و ملامت ذنبات مخالفین، خیانات موافقین صوری، شعب خرابی مرکز، و بلاد، توارد شکایت بر وجهیکه گویا این بلاها را خودمان بر سر مردم آورده ایم، حالات جاهلان یا عامدانه تمام طبقات بر اساس مشروطیت و اسلامیت و استقلال مملکت الی غیر ذلک از مصائب وارده از مشروطه خواهان اجر هم جیباً علی الله خوب اسلام پرستی و مشروطه خواهی و حقوق ماها را رعایت و حق شناسی را ادا کردند

تفصیل مکتوبیکه در جواب فوسل روس نوشتم و نفرت خودمان و تمام ملت را از بقاء قشون روس در ایران و مؤدی بودن بقطع روابط تجارته و مناسبات جواریه و غیرها را اظهار کردیم بجانب مستطاب حاجی رضاقلی آقا نوشته ام ملاحظه فرموده مندرجات جرابد را تکذیب فرمائید. اجلاً بلیتیک همسایه تمام قوای مادیه و معنویه ایران را که ممکن بود جلو خیالات آنها سدی باشد همه را اعدام کرد، فقط چیزی که برای روز مبادای این مملکت باقی مانده و ممکن است با تمام این موجبات نشنت و تفرق کله که فراهم نموده اند باز هم موفق باصلاح و علاج شود بهمان قوه روحانیه منحصر و تمام همت آنها هم مصروف باعدام این قوه و متوجه این مقتدر شده است،

یکسره مردمان لا مذهب و ... اندین اساس
 دیانت اسلامی هم سکه حاش معلومت بالظنیه،
 وبدون محرك داخل وخارجی دشمن قوای روحانیه
 بوده وهستند، و از هیچ اقداسی فروگذاری ندارند،
 حال که محرك قوی هم باشد بدیهی است چه خواهند کرد،
 نه دستة دیگر اگر چه طبعاً معاند اساس مسلمان و
 دشمن قوه روحانیه نباشند، لکن دسائس مخفیانه آنها را
 هم من حیث لا یشرکوک وباعدام این قوه بنوان
 اینکه از این بعد مضر است وادار نموده است
 حالا مکاتیب و اشاعت کاذبه و کاذب برانیهاییکه از
 بحرف انبره شده از کدام يك از این دو سه قسم
 و یا مرآب از هر سه قسم است کار نداریم، جرائد
 خراج هم آنها سکه طرف دار بواتیک رو سند
 خودشان در جمل اینگونه اکاذیب البته خودداری
 ندارند و غیر از این نباید از آنها متوقع بود، از
 جرائد داخله هم کسایکه یکی از این دو سه جهت
 مسلکشان اعدام این قوه حافظه ملیت است آنها
 هم که حالشان معلوم است و توقی نباید داشت
 فقط کمال حیرت و تعجب ما از غزوات و جرائد
 اسلامی ترکی و فارسی مطبوعات اسلامبول است که
 چرا باید مفاسد و مضار اشاعه اینگونه اکاذیب
 بدیهیه را که مال آن اضمحلال اسلام واتلاف ایران
 است تصور نکنند، و این اراجیف را مانند سایر
 اخبارات عادیه یومیه که صدقاً کذباً رای چندان
 اهمیتی نیست بنداشته بجای آنکه تکذیب رسمی کنند
 بدرج آنها مسارعت و مقاله بردازی کنند وبجفاظ
 دین مبین و حرمة حوزه مسلمین فروختن دین و
 وطن اسلامی را بدرام بخش بخش نسبت دهند
 یا سبحان الله تقد بداننا منهم الدرهمیها در چنین
 موقعیکه اوقات بانیهه مقدمات مجاهده اقتصادیه تحریم
 امته و موجبات اتحاد عشایر و ایلات و نحو ذلک
 مصروف و اجتماعی اگر داشته باشیم برایش این
 مذاکرات بوده وهست بدیهی است اشاعه و نشر
 این اکاذیب از مرکز بحرف آنسرف از اشخاص
 معلوم الحال برای گسیختن رشته خیالات و مسلوب
 الاثر شدن اقدامات است.

اگر اسلام پرستان و هواداران استقلال
 ایران قوه دافعه دیگری برای تخلیص از این مهالک
 مهیا و حاضر کرده داوند خوب است آب قوه

مادیه و مغنویه را با هم اراشه و اعلام کنند تا بدانیم که
 بحمدالله چنین قوه حاضر است و بدون حاجت بجعل
 و نشر این اکاذیب ومقاله بردازیهای ارباب جرائد در
 بروی خود ببندیم و همه را بخودشان واگذاریم و از
 خستگی چهار ساله راحت شویم، و الا بدانند این
 هفوات و اکاذیب و مفتریات از چه منشاء و از
 برای چه غرض اشاعه و انتشار داده میشود، پیش
 از این بیای خود بریشه و اساس اسلامیت و استقلال
 ایران تیشه نزنند و جامعه ملیت ایرانیات را بر
 وفق مرام اعادی دین و وطن اعدام نکنند و قوه
 روحانیه را برای روز مبادائی نگاه دارند، نه حفظ
 اساس قویم مشروطیت و نه استقلال ایران هیچیک
 از نفوذ قوه روحانیه تا مدتها مستغنی نخواهند بود
 لافل بمقداری که این بار بسر منزل رسد این قوه
 حافظه و جامعه ملیت حاضره را از دست ندهند
 انشاءالله تعالی زیده چه تصدیع شود والسلام علیکم
 ورحمة الله وبرکاته حرره عبدالله المازندرانی

تعلیقه حضرت مستطاب آیه الله المازندرانی

(به جناب مستطاب حاجی رضا قلی)

(آقا در اسلامبول)

جناب مستطاب اجل الاعظم والاعیان حاجی رضا
 قلی آقا صاحب تاجر خراسانی دام مجده معروض
 میشود مرقومه شریفه مورخه ۲۸ رجب رسید
 بحمدالله تعالی غیرت دینی و حمیت وطنیه جنابعالی
 همیشه موجب کمال اتفات وتوجه بتکالیف لازمه بوده
 نوزحمات این خدماں شرع انور در این طول
 مدت اگرچه باقتضای تکلیف و محض اداء وظیفه
 مقامیه بوده لکن آنچه سکه بحضرت سید اوصیاء
 علیه و آله افضل الصلوات والسلام ازاهل کوفه رسید
 باها هم از ذبقة منروطه خواهان همه جا رسید
 مادامیکه احکام آن در هدم اداره استبدادیه ملهونه
 سابقه مطابق مفاسد شایع بود بجان و دل مطیع
 بودند، همینکه خواستیم از استبدادات خودشان و
 اداره سازیا و خوردن و بردنهاییکه کیسه ملت را
 تمی و بمملکت وصلت نداد جلوگیری کنیم می بینید
 چه هنگامها بریا شده، حقوق مقامیه را چه خوب
 ادا و احسانها را بچه درجه اراسانه مجازات و کار
 بیجان رسید که بهتان عظیم مرابطه با قونسل روس
 و فروختن دین و وطن اسلامی را بدرام بخش

بمحافظة دين مبین و حماة بيضة اسلام و حوزة مسلمين هم نسبت داده درجرائد تركي و فارسي درج و منتشر نمودند جزاهم الله تعالى عن الاسلام و اهله على كل حال في نظر بعض مندرجات مرقومه شريفه لازمست شرح مكاتبه قونسل روس از بدو تا ختام معروض شود «قونسل سابق هميشه خصوصاً بعد از عنوان مشروطيت ايران و صدور احكام ما ما بطور ضديت حرکت ميکرد و ما هم با او جز يك تلگراف رسمي در زمان استبداد صغير كه اگر مصادف يا استقراضى فيما بين هر دولت با اداره محمد علي ميرزا بشود كان لم يكن خواهيم شناخت ديگر هيج مراحه با او نكرديم، و قتيلاً كه اين قونسل مامور شد قبل از ورودش خبردار شديم كه بر ضد قونسل سابق مامور است رفتار كند، ما هم خيلى متفنت اين نکته بوديم بعد از ورودش مکتوبى نوشت مبنى بر اظهار آنكه برای حفظ زواريكه از روسيه زيارت اين اعيان مقدسه مشرف ميشود بقوسلگري بغداد آمده ضمناً هم بلسان حسن طلب خواسته بود كه اگر مطلبى باشد باو اظهار كنيم عين طاعت او را در ضمن مكاتيب خودم براي جناب شريفتمدار آقا شيخ اندالله مامقانى سلمه الله تعالى فرستاده بودم رسيد او را از ايشان ندارم

§ ما هم در جواب اين مکتوب كمال نفرت خودمان و عموم ملت ايران را از بقاء قشون روسيه در ايران و مؤدى شدن اين امر بگسيختگي مناسبات جواريه و روابط و داديه و تجارتيه و غيرها را بر وجه ابلغ و اوفى اظهار كرديم، در جواب اين مکتوب تايا نوشت كه اظهارات ما را با امپراطوري رسانيده مقدارى از قشون روس رفته بقيه هم زودى خواهند رفت - تمام مكاتبه و مراموده ماها با قونسل روس و بقول مفسدين و كذابين مرامبه و مرامودها همين بود، لكن چون بليكات كار كنان دولتين و معاندين اساس ديانت حقه و دشمنان اسلاميت مملكت باعدام قواى روحانيه متوجه و متفقا همت گماشته اند، لهذا اين سوال و جواب را كه بر حسب وظيفه مقاميه لازم بوده باين صور قبيحه و بهتايى عظيمه اظهار و درجرائد تركي و فارسي با چه آب و تاب مندرج و منتشر نموده اند، استحضاراً عرض شد، نارواي جرائد اطلاع دهيد انشاء الله تعالى

§ و اما اينكه مرقوم فرموده بوديد كه انشاء اين كاذب برائيهارا بخواهم و با او محبت كنيم كه من بعد جنين حرركات نمكند هنوز هم امثال جنابىالى متعجبند - (دستى از دور بر آتش دارند) جنابىالى ميدانيد سلسله جنيان اين اشاعات و كاغذ برائيه از نيمه روس است و بعد از اين چند سال كه فى الحقيقه يكدمالى را قريب داده است بقرائن قطبيه مبين شد كه تمام اين اظهارات و بي بروائيه و اقدامات غلبه او بر عليه روس تماماً مبنى بر توطى و برايه فريقين ما و شا و طبقات رجال عثمانى و ايراني بوده ترتيب ازى كه براى مبين شدن حال او و رسيدن اخبار سريه ما بتوسط او بتونسخانه كرديم فقط همين مقدار بود كه نتيجه اجتماعات و مذاكراتمان را از او وهم ملكانش در اين اوقات مستور داشتيم و رامشان نداديم، چون دانست كه برده از كارش برداشته شده محرميت سابقه از اين بهمد نخواهد بود باشاعه اين اكاديب و نشر اين خرافات همت گماشت كه بيك تير چندين نشان زده باشد و بمكرون و بمكرالله والله خيرالماكرين،

§ در خصوص مسئله فضاوت انشاء الله تعالى ترتيب آن فراهم و بعد معروض خواهد شد والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته حرره عبدالله المازدرانى

حبل المتين

ما در حين اشاعه اين مكاتيب كه بزرگترين و طايف و من خواهي و اسلام پرستي خود مبدانيم از جهالت ملت و اغراض مغرضين بجاييه اشك خون گريه كرديم، عجباً بعد از اين اشاعات رسيده كه از طرف مقام منبع رياست روحانى اسلام شده باز هم مغرضين بي انصاف دست از اغراض خود باز خواهند داشت؟ و يا ملت جاهل بي خبر از وسايل مفسدين بي نكته مقاصد فاسده آنان خواهند برد؛ ما تا اين درجه اعراض و برده بوشى را از تكليف شرعيه خود مى دابيم لذا هرگاه از اين و بد ما هم مفسدين با كسانيكه سنگ روى پنج ديگران شده اند دست از افساد بردارند و حفظ مراتب مقام منبع رياست روحانى كه يگانه ناجى ايران و بزرگترين حافظ اسلام شناخته شده نمايند بي برده با هم ورسم برده از روى مقاصد شائست مرفوع خواهيم داشت

ليهلك من هلك عن بينة و يحيى من حى عن بينة

شکوه يك از اجبه علماء

بِ اوضاع نجف چندی است فرق کرده و ناامیدی احرار بيك اندازه مبدل بامیدواری شد خداوند همه را توفیق خدمت اسلام و اسلامیان عنایت فرماید

بِ تلگراف ذیل در این هفته از (قصر) بخار، شد و چنانکه معلوم سرکار است چند وقتی است که چنین تلگراف خوبی صادر نشده بود. انشاءالله درج نامه مقدسه خواهید نمود و آنچه مقتضی بیان و شرح است خواهید فرمود.

(تدارف آیات الله به مجلس شورای ملی)

بِ مجلس محترم شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه، در این مدت دو ماه که از افتتاح مجلس محترم گذشته پیوسته وصول بشارت خروج قشون روس و تخلص از تمام شعب مداخلات و تجاوزات ظالمانه را بحس مراقبت مبعوثان عظام ملت اید هم الله تعالی مترصد و بعد از ترك رسم عبد مشرف بمحصول و بواسطه تعاقب بحرانات وزراء و سایر عواینیکه اغلب بدسایس ظاهره و خنیه مشید بود معوق ماند، حالا با اینکه کابینه جدیده انجسام این اهم تکلیف را بموجب مکاتیب واصله سریعاً تعهد نموده بازهم بدبختانه می بینیم بامروز و فردا میگذرد، اساس قوم مشروطیت و استقلال و خون بلکه ارکان دیانتان در تزلزل و روح ملتیمان در خطر و حقوق وطنیه و ملیه بلکه بشریه مان اکدکوب و تکلیف دینی اسلامی زیاده بر این بانظار نشستن و دست روی دست گذاردن را اقتضا ندارد، اگر حقوق بینالمللی مرعی و قوانین آن منظور است سکوت تا کی، انتظار تا چند، و اگر مجرد الفالی است بدون واقعیت و خالی از حقیقت البته عموم علماء و قاطبه مسلمین هم از مقتضیات اسلامیت خود رفع ید نخواهند کرد، و محالاً مجاهده اقتصادی ترك امته روسیه بالنکلیه که اولین قدم دینداری و وطن خواهی است بعون الله تعالی و حسن تأیید باید سریعاً اقدام شود، علی کل حال نتیجه را عاجلاً مترصد و جواب تلگراف سابق در خصوص جواب یادداشت سفارتین را هم منتظریم. انشاءالله تعالی

(محمد کاظم الخراسانی)

(عبدالله المازندرانی)

بِ بیلی اگرچه ایرانیان نوعاً از مقتضیات زمانه و پیش آمدهای کارها و عوایب و خیمه مداخلات ظالمانه و تعدیات نامشروع دولت روسیه خبر ندارند، ولی باز جمعی هستند که باها بفهماند خاصه مقام منبع ریاست روحانی که بخوبی فهمیدند که بشای دین و آیین حضرت خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله و عزت و شوکت مسلمانان خاصه مقام منبع خود و نفوذ خویش بسته است با استقلال داخلی و خارجی مملکت ایران، و نفوذ که آن ناحیه مقدسه در نفوس مسلمانان خاصه فرقه امامیه، خاصه ایرانیان، جای شبه نیست و معلوم است در این صورت از هر اقدامی نخواهند کوتاهی فرمود. چه اول فریضه ذمه آن ناحیه مقدسه حفظ دین و آیین و استقلال مسلمانان است و آن ناحیه مقدسه تا بحال ملاحظه روابط دوستانه و نزاکت بینالمللی را میفرمودند و بعضی اقدامات و احکام را صادر نکردند

بِ مقام منبع ریاست روحانی بخوبی دانسته که تمام وعدهها و جوابهای دولت روس کینت العنکبوت اساسی ندارد و هیچ يك اساس و اصل ندارد و دروغ، ولی می خواسته اند که این معنی برای تمام دول و ملل معلوم شود و سوء مقصد دولت روس برای هر ساده لوحی آشکار گردد که مورد اعتراضات بیگانه و خودی نشوند اگر بعضی اقدامات فرمودند و حکم خدا را بمسلمانان اعلام نمودند

بِ مقام منبع ریاست روحانی اگرچه بطر ساده لوحان اتفاق و اتحاد میان آنها نیست ولی نه در حفظ دین و آیین و انکبوتی مسلمانان و نگهداری استقلال مملکت اسلامی، چه در این مورد تماماً يك دل و يك قصد خواهند بود و تماماً بکلمه واحده اقدام خواهند نمود، قصه امتیاز دحیه (رزی) از نظرها نرفته و الیوم عندالتامل همان اوضاع است بلکه بدتر و استعمال امته روسیه در این حال بمراتب از استعمال تمباکو ضررش بیشتر است، و اگر قصه امتیاز (رزی) در جزو بود و بهم موجب زوال و امتیاز و استقلال دولت ایران بود فعلاً امته روسیه و استعمال آنها علت تامه زوال استقلال ایرانی و تقویت کفر بر اسلام است

حبل المذین

از ملاحظه تلگراف قونسل روس بی اختیار حکایت شیر و مقابله شدنش با آدمی زاد و حرکت دادن دم و غرش و غیره در نظر مجسم میشود. تلگراف قونسل روس رب و بی که چهار بند روسیه را احاطه نموده بخوبی مترشح میدارد. ذلالت پلنیکانه بلکه بی حجابانه مقام منبع ریاست روسی اسلام را تهدید مینماید

(قونسل روس چه میگوید)

میگوید حقوق ملی ایرانیان و آزادی خواهی مسلمانان و مطالبه استقلال ملت شش هزار ساله ایران تولید و ختمت تواند نمود. معنی این سخن این است که ایرانیان باید در مقابل اجحافات روس در برابر تجاوزات بر قانونی او در قبال دولت حاضر غیر مصفا همسایه سر تسلیم خم نموده و مهر خردوشی بر لب زده کر را در زیر بار عبودیت و اسارت وی خم نه مایند. بعبارت ساده تر میگوید اگر ایرانیان صدایشان با استقلال خواهی و احقاق حقوق بشریت و اسائیت بلند شود بوخامت عظیمه دچار خواهند گردید. یعنی زیاده برین روسیانش در فشار آورده بشکجه انصاف کثی دچار شان خواهند ساخت.

(ایرانیان چه جواب میگویند)

میگویند بالاتر از سیاهی رنگی نیست، میگویند مرگ بعزت و شرف بهتر از زندگی بذلت و عبودیت است

میگویند الاسلام بعنوا و لا یعلا علیه

میگویند صاحب شریعت مقدسه اسلام با تعلیم داده است که زیر بار ظلم و عبودیت و اجحاف و زیادتی نرود.

میگویند مسلمانان نیست لیسکه با قدرت و اختیار کردن بزیر بار عبودیت دیگران بدهد

میگویند بزرگترین پیشوای ما بفرماید (انقل اولی من رکوب العار)

میگویند کدام و خامت بالاتر از سکوت در این موقع نازلک برای ایرانیان است ؟

میگویند کدام و خامت عظیم تر از این است که روسیان قصد اضمحلال استقلال آنها را نموده اند؟ کدام و خامت است که روسیان برای ایرانیان

ایرانیان اگر فعلا قوه دفاعیه ندارند ولی قوه حرب اقتصاد بر بركت مقام منبع ریاست روسی دارند. ولی باز چون شریعه اسلام صلح طلب و سلم جو است حتی الامکان حفظ روابط دوستانه را میبایست تمام دول و ملل نمود. و همین معنی رقبا را بطمع انداخته و نمی دانند که این سلم طلی در حالی که مسالمت و حفظ حقوق از آنها دیده میشود نه در حال عداوت و سوء قصد شریعه اسلام با مسلمانان میفرماید (و ان سکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و ضنوا فی دینکم فقاتلوا ائمة الکفر انهم لایان لهم لعنهم یتهووث - (فمن اعذی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم - (انفروا خفا و علنا و حامدوا باؤالکم و انکم فی سیال الله)

بعد از مخاره این تلگراف قونسل روس باوالقاسم شیروانی تلگراف ذیل را نمود

(تلگراف قونسل روس از بغداد بخجف)

ب تروح سریر الخدمه آیه الله الخراسانی سنا عارق تلگرافات ایست جیدن لحق روسیا اجلب اردقه عن عواقب و خیمه التلگرافات ان کان صح مذاحجر التمس منه استرداد مضمون تلگرافات المذكوره (اورلوف)

(جواب حضرت آیه الله خراسانی)

جناب آقا ابوالقاسم، تلگراف جناب جلالآب قونسل ملاحظه شد. ما بشان ابلاغ نمایند. نظر و عده که در خروج عساکر روسیا داده بودند و سایر دول متمدنه هم در جواب برتست اخیر دادند که « بعد از حصول امنیت عساکر بیرون می روند » اینک ما ایند بلاد ایران، آمون، عساکر مقیم عموم رعایا اخراج آنت را در خواست نموده چون در سکوت عاقبت و خیم میرفت از وزرای خودمان مضمون جدیدی خواستیم باقتضای محابات بین دولتین خروج عساکر را درخواست نمایند

این صورت بدون امضای حضرت آیه الله ابوالقاسم داده شد که مخاره نماید در جواب قونسل

نه و فعلا بنا بر این شده است که بعد از رسیدن جواب مجلس و کابینه و ترتیب مقدمات اصدار حکم تحریم امتعه را باامضای تمام آقایان فرمایند. تا بعد چه شود و خدا چه خواهد (آقای صدر زاده)

فراهم نیاورده اند ؟

یا للعجب قونسل روس با کدام رو با این الفاظ پلنیکاه اظهارات خیر خواهانه درباره ایران میباید ؟

(معنی لفظ وخامت چیست ؟)

یعنی ما دوست ایرانیه ونظر بخیرخواهی ایرانیان مقام منبع ریاست روحانی اسلام را متنبه میسازیم که ایرانیان را از وخامت هیجان ملی در مقابل روس برهاند عجباً خیرخواهیهای دولت روسیه از زمان بطر کبیر تا امروز نسبت باسلام و ایران کانی نبود . خیرخواهی های روسیان در اعوای محمدعلی وهدم مجلس بتوپ لیاکوف وافی تصور نمیشود؛ خیرخواهی روسیه برای مسلمانان و جنگجوی عدیبه باغبانی وتصرف مالک متعدده اسلام وخراب کردن خانه خدا و اسطبل ساختن قزاقان مسجد سهسالار را دو سال قبل کتابت نکرد ، تلباتیکه برحیم خان دزد در خیرخواهی ایران دادند پس نبود ؟ دستوریکه به داراب میرزا و قزاقان روس در قزوین و اعتشاش ریجات و اردبیل و قتل علیخان امیر تومان و اعوای شاهسونها و بتوپ بستن يك قرية ایران را در استراماد و وحشت کاریهای نمایندگان روس در تبریز و مازندران وگیلان وغیره کدایشان نه نمود؟ توپ بستن بقبه الاسلام یعنی مرقد مطهر علی ابن موسی المرضا علیه آلاف التحية والثناء و پای نهادن قزاقان روس در حریم حرم مجتهد اول تبریز حضرت نعه الاسلام و حبس نمودن پلیس و اسیر ساختن سواران علیخان و صدها امثال آن که قلم از نگارشش شرم دارد .توت خیرخواهی روسیان نیست ؟ بخش نمودن قشوق در جمیع شهرها و قصبهها حتی دهات شمالی ایران بیغرضی روسیانرا ثابت نمیکنند ؟ شروطیکه برای جزئ استقراض بایران پیش کردند حاکی از دوستی روس نیست ؟ یاد داشتیکه بایران پیش نمودند در امتیاز دادن باجانب پشتوایشان را باستقلال ایران مدلل نمیدارد ، یاد داشتی که در منع دادن امتیاز باجانب پیش نمودند و اعتشاشاتیکه در هر نقطه بزور اسکناس فراهم آورده مشمول هواداری روس از آزادی استقلال ایرانیان نمیباشد ؟ بیرون کردن ستارخان از

تبریز و فراهم آوردن انقلابات اخیره در طهران و قتل آقای بهانی و کوشش نمودن در سلب نفوذ کلمه روحانیت اسلام که اولین ناجی ایران ازاضمحلال بشارست دلیل دوستی همجواریه روسیان نیست ؟ یادداشت اخیره آنان در ماده استخدام مستشارهای خارجی تکمیل دوستی روس بشمار نمی آید ؟ انگیزش محمد علی ایل ترککت را و تقویت سری روسیان از آت ما را بحسن دوستی دولت روس بشارت نمی دهد ؟ اف !

من چه گویم در همه ده زنده کو

(قونسل روس درست میگوید)

که حکم تلگرافی مقام منبع ریاست روحانی اسلام درحرمت استعمال امتعه روس دارای وخامت است ، ولی برای کی ؟ برای روس نه برای ایران ، چرا که این حکم ملهارها سبب خساره روسیان میگردد ، عملجات کارخانهجات روسیه از کار بیکار شده آرز به بلوا و آشوب می نمایند ، صاحبان کارخانه جات بستوه آمده روسیه را از احتیاطات بایران باز میدارند ، مسلمانان قفقاز و ترکستان اقتدا بایرانیان کرده ولوله در روسیه می اندازند و همین نکتته سبب تولید گرانی و قحطی پول در روسیه می شود ، چه مالالتجاره روس بواسطه گرانی و نامرغوبی در هیچ نقطه دنیا در مقابل امتعه مرغوب سایر ملل متمدنه رونق و رواجی ندارد ودرحقیقت باید گفت « بازارگاه امتعه روس امروزه منحصر بایران است » و اگر ایرانیان ترك استعمال امتعه روسیه را گویند بازار تجارت روس بسته خواهد شد، این است که دیپلمات روس لفظ وخامت را در این تلگراف پلنیکاه بامفهوم دیگر گنجانده که بخمال خود با این الفاظ پلنیکه مقام منبع ریاست روحانی اسلام را بی حجابانه تهدید کرده است ، بزبان دیگر بخمال خود نسبت لاعلمی از مقضبات زمان بمقام منبع ریاست روحانی اسلام میدهد ، قونسل روس باید بداند که امروزه مقام منبع ریاست روحانی اسلام برجزئی وکلی سیاسیات مقتضیه ایران واقف و بر خیر و شر مسلمانان از دیگران مطلع ترند ،

ریاست روحانی اسلام در این مدت مدید منتها درجه ملاحظات سیاسی و نزاکت بین المللی را

فرموده. چه کنند که روسیان بخشونت تابع عادت نموده و در مقابل اجحافات خود ناوقتی سر نخورند باز نمی ایستند. چه شد آن همه مواعید روس در اخراج قشون خود؟ کجا رفت اطمینانیکه بمقام منبع ریاست روحانی اسلام بذریعه دولت علیه عثمانی داده شده بود؟

عجبا هنوز هم روسیان میتوانند برده رویه مقاصد فاسده خود بکشند؟ آیا هنوز هم میتوانند بگویند که ما قشون خودمانرا برای حفظ مال و جان رعایای خارجه گذارده ایم، آیا میتوانند دعوی نمایند که ما قشون برای حفظ امنیت ایران وارد کردیم؟ گذشت آن زمانیکه علمای اعلام اسلام حزقه و اصول دارایی اطلاعات دیگر نه بدند، امروزه ریاست روحانی اسلام از مسلك سیاسی دول و تاریخ اضمحلال ملل و اصول پیش رفت مقاصد همسایگان بهتر از دیگران واقف اند، قونسل روس بجه حد بانظارتی که مقام منبع ریاست روحانی اسلامرا تهدید میکند، آیا نمیدانند که این موالی در حاد حق و حقیقت پیرو آن بزرگواری هستند که ما هتاد و دو تن در مقابل يك صد و پست هزار دشمن ایستاده و بشهادت خود و اصحاب گرامش سیاست اسلام را منقلب و سلطنت ناحق دشمنان را از روی زمین مندمه فرمود، قونسل روس باید بداند که رشته هیجان مسلمانان دنیا بکجه روح استقلال اسلام بسته بدوست در کف ما کفایت مقام منبع ریاست روحانی اسلام است، و این بزرگواران از خطایی قاندين اسلام در ادوار سالنه که باین گونه سخنان تو خالی و تهدیدات بوج مرعوب شد، دست بروی دست نهاده اسلام را بحال امرهزی انداخته عبرت گرفته از این وبعد باین گونه سخنان خوااموش نه تواند نشست و آرام نه تواند گرفت روسیان باید بدانند که از این و بعد بانداختن نزاع بر شیه و سنی نمی توانند برگردن مسلمانان سوار شوند. امروزه جمیع مسلمانان عالم بی مقاصد روسیان برده و دانسته اند که دولت روس را از این تشبیهات جز محو واضمحلال اسلام خواهشی نیست، روسیان باید بدانند اگر مقام منبع ریاست روحانی اسلام در این مجاهده اقتصادی سخت گردند نه تنها جمیع علمای اعلام شیعه در عراق عرب و ایران متحد الکلمه

شده با آن موالی هم آواز خواهند گردید بلکه کلیه علمای اعلام اسلام اعم از شیعه و سنی در این مجاهده اقتصادی هم آواز گردیده انقلاب عظیم در عوالم اسلامی پدید خواهند آورد.

روسیان نه باید فراموش نمایند همراهی حضرت مفتی بغداد را بمقام منبع ریاست روحانی اسلام در حین قصد حرکتشان بجانب ایران، بلی هر چیز در ابتدا کوچک است و رفته رفته بزرگ میشود، روسیان نباید مشتبه شوند که مقام منبع ریاست روحانی اسلام از قوای مادی و معنوی روس و حال مالیه و مستند بودن مواد انقلاب در داخله او بی اطلاع اند، ریاست روحانی اسلام به خوبی میداند که روسیه امروزه تاب مقابله با هیچ دولت و ملتی را ندارد، امروزه اگر ایرانیان که جهل کرو و نفوس و محکم مقام منبع ریاست روحانی اسلام جنبش نمایند حالتی بروس پیش آید که واقعات اقصای شرق را فراموش نماید هیچ چیز روسیه را باین خسارت در ایران و نداشتن جز مرعوبیت ایرانیان و سکوت مقام منبع ریاست روحانی اسلام، روسیان باید بدانند که ایران برای آنها لقمه راحت الحلقومی نیست، روسیه از اجحاف و زیادتی بایرانیان فائده حاصل نه تواند نمود، مقتضیات سیاست دنیا روسیه را پیش از این اجازه اجحافات در ایران نمی دهد. عثمانی و آلمان و اطریش بلکه فرانس و انگلیس هم هرگز بدخالت های مالکانه روس تا ایندرجه رضا نه تواند داد و بایک جنبش مدافعانه ایرانیان در وسط آسیا بمقتضای سیاست امروزه دنیا اگر روسیان پیشبای خود نه نشینند دریای خون در اروپا جاری تواند گردید

سکوت جمیع ملل و دول روی زمین در اجحافات روس از بهت زدگی و مرعوبیت ایرانیان که سم قاتل استقلال است میباشد، و اگر ایرانیان در مقابل حقوق مشروع و دنییه استقلال خواهانه خود اندکی بلیه پیشترند آواز همدردی و هیاهو از جمیع دنیا برخلاف روس در حمایت آنها بلند میگردد.

این نکات بر مقام منبع ریاست روحانی اسلام پوشیده نیست و باین تهدیدات بلیکنانه و سخنان غیر مؤدبانه از مقاصد عالیه خود شان که حیات بخش اسلام و اعظم و وظایف آن بزرگواران است باز نمی آند (که تنقا را باند است آشانه)

خوب است که در فرمایشات جوابیه مقام منبع ریاست روحانی اسلام بقونسل بغداد غور و تأمل نموده آخرین نتیجه را برای خود استنباط نمایند. مقام منبع ریاست روحانی اسلام میفرماید که ما در این مجامعه اقتصادی ناچار شده و نمی توانیم پیش از این بمواعید هر قومی روس قناعت کرده اسلام را لگد کوب سم ستور قزاقان شما بگذاریم. ما بر حسب وظیفه اسلامی خود عن می نمائیم ما و خات سکوت پیش از این و اطمینان بمواعید روس را برای اسلام بخوبی استنباط نموده ایم، ما فعلاً اعتراضات مودت همجواری از دولت خود دوستانه اخراج قشون روس را خواسته ایم. و هرگاه ملاحظات دوستی نه شود به تکالیف شرعیة خود عمل خواهیم نمود، ما طرف مجاوره با شما نیستیم، مخبرات ما فقط بدوات خود مان و مجلس ملیة اسلامیة ایران است، هرگاه شما هم گفتگویی دارید با دولت عالیہ ایران به نمایند، مقام منبع ریاست روحانی اسلام میفرماید که از این و بعد اعتماد باقوال شما نمی توانست نمود. باید بمواعید خود فعلیت دهید، مقام منبع ریاست روحانی اسلام میفرماید که شما باید از عاقبت و خیمه حرکات عهد شکنانه خود برهیز کنید و با اشاره (ابلاغ من التصریح) مینمایند که این مجامعه اقتصادی مقدمه اقدامات دفاعیه است اگر روسیان متبه نگردند و آلمان را مجبور نکنند، اگر قونسل روس دیپلمات است باید از این اجوبه مقام منبع ریاست روحانی اسلام که در هر لفظی از آن يك عام سیاست محتوی است متبه گردد و دولت متبوعه خویش را متذکر سازد ورنه بیاید روزی که روس پشیمان گردد و قتی که پشیمانی را سودی نباشد، و ما از این جواب متین ریاست روحانی اسلام که الحق لا جواب است کمال تشکر را اظهار می نمائیم و اطمینان می دهیم که عموم ملت اسلام خاصه ایرانیان در تعمیل اوامر آن موالی ذره توانی نخواهند نمود چه میدانند اگر روسیان مطمئن از عدم اجرای این حکم ریاست روحانی اسلام گردیدند يك مرتبه استقلال مسلمانان خاتمه خواهد پذیرفت، مسلمانان از این بی ادبی و تهدید بلیتیکانه قونسل روس و مقام منبع ریاست روحانی اسلام کمال برافروختگی را حاصل نموده و تا آخرین نقطه قوت خود در اجرای این حکم و احکامیکه پس از این

در این موضوع صادر گردد حاضر و از بند مال و جان دریغ نخواهند نمود، پس از این خطاب با ایرانیان نموده میگوئیم ای ملت شش هزار ساله که همواره در شجاعت، شهامت، عبرت، وضخواهی و استقلال برستی زینت تواریخ ملل و ده اید! ای یادگاران اردشیر بابکان! ای فرزندان نوشیروان ای پروردگان نادرا! بخود آئید و موقع خویش را بشناسید و از دسایس دشمن دیرینه خود بیدار گردید! و دست اتحاد به يك دیگر دهید و در این مجامعه اقتصادی که حیات استقلالیة تان متوقف بر آن است حسابات ملی ما نموده خریشتن را نزد مال ساثره زنده و بیدار جلوه دهید، و مقام منبع ریاست روحانی اسلام را از خود مایوس نسازید و احواله اسات دشمنان را بر اسلام به نمایند و سرمشق از برادران اسلامی خود عثمان بگیریید و بدانید که هیچ دولت با قدرت و قوت نمی تواند به ترق دست امتة خود را بشما فروشد و یا شما را مجبور بخربرداری او نماید درست بدقت ملاحظه کنید که هندیا رعایای مملوک انگلیسند و قدرت و قوت انگلیسان در هند بدرجه ایست که مافوق آن متصور نیست، معذالک چند سال است شر ذمه از هندوها برخلاف استعمال امتعة انگلیس بر حاسته و مایونها خساره بملت انگلیسیه وارد آورده با اینصه این مسئله طبعاً بر دولت انگلیس ناگوار است مع ذلک جوش را به بولاندن امتعه خود را باها مسدود دیده چاره جز صبر و سکون ندارند، مجامعه اقتصادی هیچ جواب ندارد و هیچ جرم شناخته نمی شود و ابدأ برخلاف مساعدات دولتی نیست، هیچ دولت حق برعابای خود نمی تواند سحتی در خربرداری متاعی بکند چه رسد به يك دولت اجنبی، ایرانیان بدانند که روسیان در این موضوع خاص یعنی ترك استعمال امتعة او تشبثات بسیار خواهند نمود و اشاعات مرعوب کن خواهند داد و هیچ بعید نیست که نظر به بی علمی ایرانیان برخی تتر های تو خالی هم بدولت بزنند ولی تمام اینها در صورت استقامت ایرانیان بر اثر و هیا و هدر است، در مساعدات اقتصادی ملل دولت بریدج وجه ملزم نه تواند شد، و ملت مجبور به قبول خواست استعمال

امتعه روس از دولت نیست و هرگاه دولت چنین تکلیفی بملت نماید از وظایف خود تجاوز نموده و می تواند در نزد مقام منبع ریاست روحانی اسلام و دارالشورای ملی مسئول واقع گردد، روسها سعی خواهند شد چنانچه قبل از وقت شدند که بهر وسیله و تدبیر و هرگونه جعلیات و افتراآت بلکه در برانگیختن برخی ملازمان نفوذ کینه روحانیت اسلام را خاصه در موضوع زائل نمایند، چنانچه از چندین به این طرف آن افتراآت و جعلیات را اشاعه نموده ماشاءالله جرائد ماهم که از حقیقت دسائس همسایه بی خبرند آن افتراآت و جعلیات بلذیکی را به مقام روحانی اسلام صده سر تا با زبانش راجع باسلام و ایران است بی باکانه اشاعه داده و بی پروا یا نه موضوع بحث قرار میدهند، روسیان برای چنین روزی سلب نفوذ روحانیت اسلام را سعی اند و برای موقع های سخت تر از این که آنان را پیش تواند آمد از این و بعد در سلب نفوذ کینه روحانیت از بذل هدیه افدای فروگذار نخواهند نمود، ایرانیان راست که ملاحظه موقع و مقام خویش را نموده برای کوتاه کردن و مرعوب ساختن دشمنان ابراف درین وظیفه ملی حکم مقام منبع ریاست روحانی را در مرتبه درجه شدت بمقام اجرا در آورند و بدشمنان خود به نمایند که هرگاه مقام منبع ریاست روحانی اسلام حکمی سخت تر از این هم فرماید در اجرای آن هم از بذل مال و جان دریغ نخواهند داد،

واقفان رموز ایران بدانند که باجوائت ملی از وظائف ملیت و دسائس دشمنان خارجی و داخلی تا دیر باز مجبور اند که مسائل اقتصادی و وظائف ملیه را بقوت مذهب در ملت اجرا دارند و هرگاه این و مضمحل شود گویا قوای دفاعیه ایران یکدفعه خاتمه پذیرفته و این بزرگترین خواست دشمنان اسلام است امروزه در جمیع طبقات ایران خاصه کسایکه دعوی وطن خواهی دارند فریضه ذمت است که این حکم مقام منبع ریاست روحانی اسلام نه عبارت از مجاهده اقتصادی است بموقع اجرا در آورند و هر آنکس که تمرد کند خائن و از ملیتش برکنار، و به سخت ترین سزایش برسازند و نگذارند که در آغاز امر مجاهده اقتصادی و دفاعی سبب تخریب دشمنان دین و مستبدین بی آئین

روس برست گردد، که گفته اند

(سرچشمه باید گرفتن به بیل)

هیئت مقدسه علمیه نجف اشرف را با کمال ادب متذکر شده عرض مینمایم که موقع بزرگترین مجاهده آن موالی پیش آمده و چند نکته خیلی باید مراعات شود

اول آنکه در حکم تحریم استعمال امتعه روس تمام آیات الله نجف اشرف و کربلا و سامره را نیز شامل فرموده تا بهانه بدست بهانه جوایان نه افتد و بهانه اختلاف کینه روحانیت سبب جناب منافع دشمن نگردد

دوم دقت در عبارت احکام نموده تا عام فهم باشد و جای توجیه برای مستبدین نباشد امروزه کار از آب گذشته است که مقام منبع ریاست روحانی اسلام بمخالف آنکه روسیان متنبه شوند سخن را در برده بیان فرمایند

سوم تنها باید بمجاهده اقتصادی قانع شده پس از صدور حکم تحریم امتعه روس آرام نشینند بلکه هر آن باید بر قوت آن افزوده و هر ساعت بصورت احکام لازمه هیجان ملی را در این موضوع زیاد نمود و ریاست روحانی اسلام را برای آخرین مدافعه حقوقیه آماده داشت، در مدافعه حقوق هرگاه ضرورت پیش آید تنها نباید بقول اقلع و صدور احکام کفایت کرد، بلکه فعالیت مقام منبع ریاست روحانی اسلام و اتحاد با علماء سنت و جماعت و حرکت شان بحجاب ایران از عمده وظایف هیئت مقدسه علمیه نجف اشرف بشمار است که بزرگان گفته اند، آزادی و استقلال درختیست که جز بخون مات شداب نه تواند ماند،

(عروس ملک کمی تنگ در بزل گیرد)

(که بوسه بر لب شمشیر آبدار زند)

ولا حول و لا قوت الا بالله العلی العظيم

ترانهدی روس وانگایس

(و اثرات آن در مشرق)

(توجه کاغذ یک نفر ایرانی)

(در اخبار منچستر گاردین)

تلگرافات اخیر از طهران مینمایند که دولت روس مصر است بر اینکه امتیاز معدن مس را در قریه داغ و موتورانی را در بین راه رشت و

طهران از شرایط پس بردن قشون خود از قزوین نماید (تا علامت حسن احساسات دولت ایران باشد) این قسم علامت حسن بیت از چیزهاست که هیچ شایده نشود ، اصرار کردن در گرفتن امتیاز و وسیله ساختن او برای تسلط در پای تخت ایران و برای مداخله در سلسله که متصل فوری بمرحد روس است ، موجب احساسات بیک نمیشود بلکه زخم شدید تری بر روحهای ساده می‌آزاند و تمام احساسات بد می‌کارد . اگر روس واقعاً آرزومند علامت حسن احساسات است چرا این علامت را در اظهار تشکر باریان ایران می‌جوید که همچو افرادی را کسی نمیتواند حر مخصوص و شرف نامت دولت روس حمل کند و خیلی محتمل است مابقی تمام جراحات ساده نشود . و موحد احساسات است حقیقی بین دو ملت نشود .

چیزی که بشر سینه ندارد در این اصالح است کمال همراهی سفارت انگلیس است در تهران تا این وسایل معاینات روسی خلاف رسم خود و برهان سفارت روس دولت انگلیس را تا حد در تمام آسیای روسی مجسمه آردی و راسی و شرف و عدالت شمرده‌اند . هیچ چیز باندازه ما به یقین نام بلند ملت انگلیس میشود که مایه او کثرت با این قسم مطالبات روس بلند با وجود اعلام رسمی که دولت روس بدول اروپا کرد ، و تصدیق که سرادردگری گزارا در پارلمان انگلیس نمود .

« قشون روس از ایران پس می‌رود بمجردیکه خطر بحارچه‌ها رفع شود » خطریکه هیچوقت وجودداشت گذشته از این فقط یک قسمتی از قشون روس در قزوین است که برای پس بردن آن روسها سعی دارد که این قسم امتیازات از دولت ایران بیرون بیاورد به تمام قشون است که محض ایجاد فتنه و ساد و استنشاش در تبریز و اردبیل و مشهد و سایر نقاط شمال ایران متوقف است ، اگر بسا بر این شود که روس برای پس بردن هر قسمتی از قشونش از هر یک از این نقاط این قبیل امتیازات از دولت ایران بخواهد قبل از آنکه روس دو ثلث از قشون خود را پس بکشد تمام شمال ایران حال روس میشود ، دیگر چیزی برای ایرابها نمی‌ماند از طرف دیگر ما می‌شنوم حالا که کابینه جدید با

اشکالات زیاد مخالفت در مجلس را راجع با آوردن مستشارهای خارجه رفع کرده و رضایت مجلس را برای استخدام آنها مسلم داشته ، مابقی سنی و کفایت خود را (تا فعالیت اتحادیه هیچ سابقه نداشته) در برقراری انعام و امنیت داخل در تمام ایران نخرج می‌آورد در هیچ موهب نازک و متاهی سفارت انگلیس و روس در طهران اشکال فراهم می‌آورند راجع مستشارهای خارجه ماستمان اینستکه مستشار از فرانسه و ایتالی در ایران موجب رقابت بین ایتالی میشود ، شخص منجیر است که در آنکند چه مایه پایداری فرانسه و ایتالی تا آخر نمیتواند در ایران داشته باشد مقصودات روس واضح است ، در این سه سال گذشته وکلای روس در ایران بسیار کثرت کثرت که چیزه شبهه اسم و نامت در ایران باشد مایه هرت روس است ، آرزوی روس این است که در صورتیکه مستشار روس بشود دولت ایران بد مستشار از بلجیک یا اتریا کی مایه باجکت استخدام بشود ، اینک سواد آنها را آب خود قرار داده و در تمام ایران حتمرازی پیدا بواستد آنها چه در سیویور مستشار بلجیک را در ترک ایران آب شرف مندورات خود قرارداد و در مابقی اوبه مایه مایه دولت ایران بست که به فقط مایه حرای تجارت برن در روسیه شد بلکه مایه حرای تجارت انگلیس هم در ایران گردید ، پس در این صورت چه دای و منصوری دولت انگلیس دارد ، چرا بیددت انگلیس به صحت کند روسها را در صورتیکه آنها در آید ، محض اینستکه روسها را در خود خوشود بید خدا کردن تمام نام بلند خود در آسیای روس رضایده ، نام بلندی که تا حال میان خود انگلیس در مشرق بوده اینک طرف سوء ظن و بی اعتماد ساختن خود در میان تمام مسلمانان ساخته است

از وقتی که انگلیس داخل قرار داد با روس شده اعتمادی از انگلیس با سرعت مایه در مشرق شیوع پیدا کرده در روزنامه‌های عثمانی و ایرانی در اثبات این مسئله شواهد فراوان است ، نثار و اختلاف در روابط بین دولت هند و افغانستان از اسرار فاش شده است از وقتی که دولت هند اصرار در قبولی افغان به قرار داد روس و انگلیس نمود ، و